روزنامهٔ

# جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیراژی برابر تیراژ همه‌ی جراید سراسر کشور و همراه با آنها انتشار می‌یابد

شماره هیجدهم - شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۵۰

## مذاکرات مهم سیاسی بین رهبران بزرگ شرق و غرب در تخت جمشید

## امیدی که جهان به برخورداری از جشن شاهنشاهی ایران بسته است

● دنیا به جشن شاهنشاهی ایران از چند نظر علاقمند ودلبسته‌است، علاوه برشکوه و عظمت دیرین تمدن ایرانی و آثار آن بر تمدن‌شرق وغرب نفوذ معنوی وشخصیت سازنده رهبر ایران وجانشین راستین کوروش و داریوش کبیر باعث شده است تا ناظران و محافل‌سیاسی جهان ، باجتماعی که بمناسبت جشن های شاهنشاهی از سران شرق و غرب درایران تشکیل میشود چشم امید بدوزند .

ناظران سیاسی معتقدند که این دیدار و برخورد ، در واقع تشکیل یك کنفرانس عالی دیپلوماسی خواهد بود و با توجه بروحیه صلح خواهانه شاهنشاه ایران ، این کنفرانس میتواند در رفع بحران های جهان امروز ، اثری فراوان بجای بگذارد . دراین زمینه در شماره های گذشته مقالاتی از منابع غربی داشتیم و اینك دیدی تازه است ازنظر روزنامه الرای العام چاپ کویت که در صفحه چهارم‌همراه با سایر مقالات خارجی ترجمه شده است.

## معجزه نوسازی و پیشرفت

جشن شاهنشاهی ، جشن بسیج ملی است، نمونه های این بسیج‌را باهم‌بررسی‌می کنیم : با بنای‌پرشکوه میدان شهیاد که نمایشگاه وموزه دوهزارویانصد سال تمدن شاهنشاهی ایران است ، آشنا شدیم . این یکی ازگوشه‌های رستاخیزنوسازی ایران است‌که با شور برگزاری جشن‌های شاهنشاهی شکوهی تازه یافته است .

اما ، در تدارك این آئین شکوهمند دریغ است از رستاخیز فرهنگی که برپا شد و چنان مسابقه‌ای درکشور برای بنای مدارس روستایی برپا کرد که در دوران بعداز انقلاب مشروطه ، دوران بیداری وروی‌آوردن به تعمیم‌فرهنگ ، هرگز سابقه نداشت، یاد نکنیم .

درتعریف انقلاب مشروطه ایران ، گفته میشود این‌انقلاب‌سرآغازتوجه‌به‌فرهنگ‌نو، بود. وازآن‌بیشتر، کسی به مدرسه و دانش‌امروز توجه نداشت.وبسیاری از ترقیخواهان ، تمام کوشش خود را صرف تعمیم فرهنگ‌کردند ، قدم‌های اساسی دراین راه برداشتند ، ولی در زمان اوج تلاش فرهنگی،هرگز این فرصت‌پیش نیامد ، که مردم بتوانند ، درساختن صد دبستان ، به مدت یکسال شرکت کنند ، و هر مدرسه‌که ساخته‌شد ، یا دولت ساخت یا نقش اصلی را دولت در ساختمان‌آن داشت . و موقوفه‌ها و بنیادهای نیکوکاری‌که به ساختن مدرسه توجه نشان دادند ، شاید تعداد مدرسه‌هاکه ساخته‌اند، در طول این دوران هفتاد ساله ، به هزار نرسد.

اما ، جشن شاهنشاهی ایران ، بعنوان یك اهرم نیرومند بسیج ملی ، در مردم چنان شور و شوقی برانگیخت‌که برنامه ساختن مدرسه در روستاها را به رستاخیزی بدل ساختند ، و پیوستن به‌آن را تاحدیك فریضه ملی و میهنی ارتقاء دادند .

تاریخ ایران‌را کنار بگذاریم ، در تاریخ کدام کشور جهان میتوان نظیر چنین رستاخیز پرشور

بقیه در صفحه ۵

## ۱۰۰ لوحه آزادی و آزادگی

## دستها و پندارها...

«یغ بزرگ است اهورامزدا . که‌این زمین‌را آفرید. که آن آسمان‌را آفرید. که مردم‌را آفرید. که مردم‌را ، شادی آفرید . که داریوش‌را شاه‌کرد. یك شاه ، از بسیاری. یك فرماندار از بسیاری .»

« من داریوش ، شاه بزرگ ، شاه‌کشورهای شامل همه‌گونه مردم ، شاه دراین زمین بزرگ دورودراز ، پسر ویشتاسب هخامنشی‌پارسی ، پسر پارسی ، آریائی ، از نژاد آریائی . »

« داریوش‌شاه‌گوید

بخواست اهورامزدا ، این است کشورهائی که من جدا از پارس‌گرفتم. من برایشان فرمانروائی کردم . بمن باج دادند . آنچه ازسوی من ، به‌آنان گفته‌شد ، کردند . قانون من ایشان‌را نگاهداشت : ماد . خوزستان . پارت . هرات.بلخ. سغد. خوارزم . زرنگ. هرووتیش. شت گوش. آشور . عربستان . مصر . ارمنستان . کپدوکیه . سارد . سرزمین یونانیهای‌کنار دریا ، و آنسوی دریا . سکو در لیبیا . حبشه . کاریا .»

بقیه در صفحه ۳

## ۶۰ روز تا آغاز جشن‌شاهنشاهی فاصله داریم

## جشن‌شاهنشاهی، نمایش رستاخیز نوسازی ایران است

## هنر ایرانی از دیر باز تاامروز

هنر ، زائیده نیاز طبیعی انسان است . نیازی که ضرورت برآوردن آن را ، انسان در خود احساس میکند . در بطن هنر اصیل ، زایندگی است . نیز در بطن هنر اصیل زندگی جریان‌دارد. از این رو ، میتوان هنر را یکی از عوامل نیکبختی انسان بشمار آورد . هنر ، زائیده دریافتها و احساسات و اندیشه های هنرمند است و هنرمند ، پیش از آنکه خود ، به پیرایه‌ی هنر آراسته باشد ، یك « انسان »است . انسانی که چون دیگران‌درسیطره‌ی نیازهاست . انسانی که چون دیگر آدمیزادگان ، از « خور و خواب و خشم و شهوت »،گزیری ندارد . او ، چون دیگران می‌بیند ، می‌شنود ، لمس‌میکند، درمییابد و اندیشه میکند و در لحظات خاصی ، که افسون ناشناخته هنر ، هاله‌ی‌خود رااز زندگی و وجود او برگرفته ، روزگار خود را ، بطور معمول میگذراند.

اما ، او ، هنرمند، ازدیدگاهی و بخصوص در لحظات خاصی ،با دیگران تفاوت مییابد و در این هنگام است که تماشاگر وکاونده، فاصله‌ای را که میان او ، و دیگر آدمیان است ، و ژرفائی به گستردگی نور دارد ، می‌بیند و در مییابد و آن لحظات ، لحظاتی است که هنرمند، در جریان تابش آن افسون ناشناخته، که سرچشمه در طبیعت و ذات هستی دارد ، قرار میگیرد . و میکوشد تا به یاری آن پرتو ، میان هنر و زندگی ، پلی از ارتباط برقرار سازد و اساس نیکبختی انسان رااستوار سازد.

بقیه در صفحه ۷

## * لوحه یادبود کوروش در سازمان ملل متحد

از روزنامه گویته‌تایمز - چاپ پاکستان

## * درپرتو تحقق آرمانهای انقلاب سفید، مردم ایران بآینده خود با اطمینان مینگرند

بقلم : سردنیس‌رایت

# روزشمار ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران زمین

-۱۸-

شاه بیداردل، درادامه سرکوبی‌باغیان و باطاعت آوردن آنها ، سپس ، «حران» را محاصره کرد. سپاهیان او، که در مکتب پدرش درس دلاوری و مردانگی خوانده وابنه، شکوه ودانش و سایه‌اراده‌ی پدر را ، باچهره‌ئی تابناکتر ، در سیمای او میدیدند با دلاوری جانبازی ، و بهره‌گیری او ، این سرزمین را نیز تصرف کردند او، در نبرد دیگری، بیش‌ازاین، «بهلیزل» توانا‌ی‌را، که درباختر برخاسته بود و به‌یارت پیش آمده بود و شاهنشاهی شرق ایران را ازآن خود می‌پنداشت تنبیه کرد. و سپاه او را برانگند. و «بهلیزل» ازپا درآمد. اکنون در شرق شاهنشاهی ، تابنجاب و پیشاور وسغدو باختر، وکابل، سایبان شاهنشاهی شاپور ، شاه دلیر و جوان و نیکبخت گسترده بود.باغیان ، به‌پندارخام خود دست یافته‌بودند.

**۲۴۱ بعداز میلاد**

گفته بودیم که اندیشمندان قبل‌ازدست‌یازیدن به‌هرکاری ، آنرا ارزشیابی میکنند. واگربس‌از بررسی، دریافتند که هنوز هنگام عمل فرا نرسیده ، آنرا به‌آینده می‌سپارند و شکیبائی پیشه میکنند تا لحظه‌ی موعود در رسد. ودراین سال، لحظه‌ی موعود در رسیده بود. در روم، روم حریص و پرمدعا ، روم غارتگر و سوداگر، وقایعی در شرف تکوین بودکه آرام آرام ، این‌سرزمین را به‌کام اغتشاشات داخلی میکشید و اوضاع هرلحظه، آشفته‌تر میشد. و شاپور ، شاه بخرد و دلیر، فرصت را مغتنم‌شمرد ودریافت که لحظه‌ی موعود فرا رسیده است. او بااستفاده‌از نابسامانی دربار و سرزمین روم، سپاهی فراهم آورد. وسپاهیان جنگاور خود را، آزمود و آنگاه ، بسوی «نصیبین» رهسپار شد. او سرداری سپاه را خود بعهده گرفته بود. سپاهیان دلیر ایران‌زمین، بدر مردانگی و سلحشوری را بارور ساختند و آنگونه ، در محاصره‌این‌سرزمین، پافشردند تا سرانجام پیروزی را از آن خود ساختند. سپاه دلاور ایران‌زمین، پس‌از فتح «نصیبین» ، بسوی سواحل مدیترانه پیش تاختند ومرزهای سوریه را کشود و پس‌از نبردی ، که نتیجه آن پیروزی سپاه شاه دلیر، شاپور بود، سوریه را پشت‌سرنهاد و انطاکیه را به‌محاصره درآورد و برائر پایمردی و تکاوری، انطاکیه هم بزیرپای ارتش نیرومند ایران زمین افتاد.

در این زمان ، وحشت ، و ناامنی ، سراسر روم را فراگرفته بود و شاه دلیر ایران، با سپاهیان پیروز خود ، همچوا ، پیش میآمد. شاه ، همراه با یاران دلیر و سپاهی خود ، از فـــرات گذشت و دراین سوی دجله ، پیش آمد تا به‌بابل نزدیک‌شد.

«اودریانوس» ، امپراطور روم ، دراین‌لحظه، سپاهی را کـه آراسته بود و تجهیزات کامل بخشیده بود بسوی خاور راند. سپاهیان بی‌شمار «اودریانوس» ، ازنقطه نظر نفرات و تجهیزات برسپاه ایران‌زمین برتری داشتند. و آن گاه‌که لحظات درگیری‌ونبرد فرارسید ، سپاهیان ایران زمین باابراز شجاعت و بی‌باکی، سپاه روم را، چندین‌بار ، به‌عقب راندند و تلفات سنگینی برآنها وارد آوردند. وبااینکه خود دراین هماوردی، گاه، زمین را از خون‌خویشتن رنگین میکردند و جام شهدا‌لود شهادت را مینوشیدند، اما بسیاه دشمن که به‌اندیشه دست‌درازی به‌این‌سو آمده بود، یادآوری کردند که مرگ را در راه میهن کهن سال ومقدس ایران ، بهمسیح می‌انگارند.

حوادث ، که بدنبال یکدیگر بوقوع می‌پیوست و تلاش‌حیله‌گرانه چندتن از سرداران روم ، باعث شد سپاهیان ایران ، در نبرد «رساینا»، درشام، شکست خورند. و این‌باعث شدسپاهیان‌خام‌طمع روم به‌پندار خاطر افتند و خود را بدام هلاکی اندازند که‌سرنوشت، بدست سپاه ایران زمین برای آنان نهیه دیده بود. رومیان از دجله گذشتند و نیسئون را محاصره کردند. پندارخام و طمع کنجهای شاهنشاهی، این جسارت را باتان بخشیده بود. دراین لحظه، حادثه اتفاق افتاد.

رومیان، که درمییافتند امپراطور آنان ، برآنان‌حیله روامیدارد و آنانرا از راههای مختلف، می‌فریبد و به‌کام مرگشان می‌سپارد، براو شوریدند. وهنگام نبرد، مجدد فرارسید. و درنتیجه نبردی‌که میان رومیان، وسپاهیان ایران درگرفت حادثه‌ای اتفاق افتاده‌که چشمان رومی‌ها را اول‌بار ، بروی واقعه‌ای که رخ میداد، بازکرد. شاهنشاه شاپور، خود رهبری سپاه را دردست گرفته بود وبانیرو جستن از اندیشه‌خویش ، دشمن را بسوی دام کشید هنگامی که دشمن در دام افتاد، فرمان راند تا سپاهیان، اورا چنان درمحاصره بگیرند که سپاه نجیره‌انوخته و مجهز رومی، توان رهائی راندا‌شته باشند. و سپاهیان ایران، بادلاوری و تیزهوشی، نقشه‌ی‌شاهنشاه شاپور را بکار بستند. ودر دو شاخه‌ای که سپاه رومی را، بازدبك شدن سرشاخه‌ها ، بهم فروبرده بود، شاه ایران زمین، با یاری گروهی از سپاهیان ، خود به‌کوشمالی دشمن پرداخت‌و سربازان دشمن چنان پای فشردند که «اودریانوس» ، امپراطور، درجنگ از پادرآمد و تلاش وفداکاری سربازان او نتوانست موقعیت نبرد را دگرگون سازد. لاشه‌ی «اودریانوس» درمیدان جنگ ماند. و سر او را ، سواری‌پیش رکاب شاه انداخت. این کیفر جسارت و تاختن به‌سرزمین‌های شاهنشاهی ایران بود. رومیان، باشرمندگی، بذیرای شکست شدند. آنان اکنون در تنگنائی افتاده بودند که خود، بچشم خود، نتیجه‌ی اندیشه‌ها و شادیهای خام سرداران خویش را میدیدند. رومیان، که بدون رهبر، وبی‌امپراطور، مانده بودند، شبانه ، به‌چاره‌گزاری نشستند و از میان خویش«فیلیپوس» را به‌امپراطوری برگزیدند. و او، در ستاد سپاه شکست خورده، به‌فرمانروائی روم رسید. و نخستین کارش، این‌بودکه‌کس فرستاد واز شاهنشاه شاپور، بارخواست. و شاه مهربان به‌او رخصت دیدار داد. و او چون به‌پیشگاه شاه باریافت و به‌سراپرده‌ی شاهنشاه درآمد، پیاده ، زمین بوسید و از شاه ایران‌زمین، طلب‌بخشایش کرد. و با بانگ بلند، بزبان آورد:

«آنکس‌که عامل جنگ و خونریزی میان دو نیروی بزرگ‌جهانی بود، گشته شده و بسزای خطا و گناهان خود رسیده است.اینان‌که اکنون در محاصره سپاهیان دلیر ایران‌زمین هستند، گناهی ندارند. واگر باید سری جدا شود، آن سربود که در پای شاه ایران‌زمین، افتاد . من ، بنام امپراطور روم، وبه‌نمایندگی از سوی مردم روم، از شاهنشاه ایران زمین ، طلب بخشایش دارم. استدعا دارم بفرمان شاهنشاه ، دستوری صادر شود که رومیها، بی‌آسیب، به‌داخل مرزهای خود بازگردند».

این صلح‌نامه‌ی «فیلیپوس» بود. او همراه این صلحنامه، «نیم‌میلیون» دینار طلا، پیشکش کرد. شاهنشاه بزرگ، شاپوراول، استدعای فیلیپوس‌را ، باجوانمردی پذیرفت و فرمان داد سپاهیان روم، به‌سرزمین خود بازگردند. سپاهیان رومی که گمان میبردند پس‌از پایان کار اشکانیان ، دیگر در ایران زمین سپاهی نیست‌که دل سربازار رومی از او، بیمناك باشد، مهرباطل بردفتر اندیشه‌های ناصواب خود زدند و شرمنده راه سرزمین خود را در پیش‌گرفتند. پس از پیروزی درخشانی که شاهنشاه ایران‌زمین بدست آورد، سرزمین‌های ، بین‌النهرین و ارمنستان دردست ایران ماند ورومیان، دست خود را ، از آن سامان‌ها کوتاه کردند. اینك که خطر ازمیان برخاسته ، و پیروزی آغوش گشوده بود هنگام آن بود که اوضاع داخلی، آرامش و آسایش بیشتری بخود بگیرد. و مردم رفاه را، درتمام زمینه‌های هستی، تجربه کنند.

**۲۵۸-۲۶۰ بعد از میلاد**

آنکه در ذات خود ، غش دارد، آنکه گوهری تابناك ندارد، وسرشت او، آلوده‌ی تباهی روزگار ، و آنچه رخ مینماید، پند گیرد. وبدین‌گونه، روم، بازهم به‌ازمون تجربه‌های تلخ گذشتگان خـود پرداخت. روم تحقیر شده، رومی‌که چندسال قبل ازین، شاهد بزرگترین حقارت‌ها شد، بازهم حیله‌اندوخت و بازهم طمع ورزید. گوئی طمع ویرانی‌ها و غارت‌ها و دستبردها به‌مذاق او خوش‌آمده بود و بازهم سودای غارتگری ودست‌اندازی در سرداشت. فتنه، باردیگر آغاز شد.

و «فیلیپوس» چون به‌روم بازگشت، او را از امپراطوری خلع کردند و تارهای فتنه‌را ، درجان ارمنستان‌تنیدند.درارمنستان، براثر این تارهای فتنه‌انگیز، زمزمه‌های ناخوشایند برخاست. آنان بازهم به‌کسوت حمایت از شاهزادگان اشکانی حاکم برارمن،درآمدند و آنها را تشویق کردند تا از فرمان شاهنشاه بزرگ ایران‌زمین، سرباز زنند. رومیان ، جنگ را از ارمنستان آغاز کردند. ودراین جنگ، بازهم ، شاهنشاه ، خود سرداری و رهبری سپاه ایران‌زمین را بعهده گرفت. سپاهیان ایران، دراین پیکار ، آنگونه دلاوری کردندکه سپاهیان جامه‌ی حمایت پوشیده، بزودی درهم‌شکستند و روی به‌هزیمت نهادند. شاه ایران‌زمین ، به‌این اکتفا نورزید. او دامنه‌ی جنگ را تاآن سوی فرات کشانید. و سوریه، این سرزمین ناآرام را ، پس از قرنی، زیرپای سربازان ایران‌زمین هموارکرد. سوریه نرم‌شد. واطاعت راگردن نهاد. انطاکیه مغرور هم درهـم شکست و به‌تصرف درآمد. و همه‌جا سپاهیان دشمن، سرکوب‌شدند. سپاهیان روم، این میراث‌خواران پسر گجستك فیلیپ مقدونی، آنگونه طمع‌ترس و وحشت را چشیدند که ترس آنان بدل‌به‌کابوس شد. واین کابوس، برسراسر روم سایـه گسترد. «والریانوس» امپراطورسوداگر ، اندیشه‌ی بسیج سپاه کرد. تجربه‌های گذشته‌را به‌هیچ گرفت و به‌بسیج سپاهی گران پرداخت. او بانیروئی شگفت، نیروئی که تمام قدرت و توانائی امپراطوری مغرب را، در خـود نهفته بود بسوی ایران‌زمین حرکت کرد. روم اینك هشیارشده‌بود‌و ازخواب برخاسته بود و می‌پنداشت برای رهائی از این کابوس‌که دامن هستی اورافرگفته، باید دست به‌حمله متقابل برد. و زخمی‌راکه بریپکرش افتاده بازخمی که بحریف وارد میآورد، جبران سازد. واین پنداری بود که به‌پندار کودکان میماند. سپاهیان روم،سپاهیان پیکران روم به‌سرداری «والریانوس» ، به‌انطاکیه رسید. و دست سرنوشت، برای اجرای نقشه‌ی خود، و تعبیه‌ی دام خود، نبردی راکه دراین نقطه رویداد، بسود رومیان بپایان رساند. این،آغـاز دام‌بود. وهمین پیروزی، این اندیشه رادرمغز علیل «والریانوس» جایگزین ساخت‌که روزگار پیروزی درانتظار او و سپاهیان اوست.

ناتمام

# اصالت هنر تندیس در ایران باستان

اگر صحیح باشد که این مجسمه از تخت جمشید بدست آمده است ، باید پذیرفت که آن هم از نقوش برجسته پله‌های آپادانای‌تخت‌جمشید الهام گرفته است و موضوع آن عبارت خواهد بود از هدیه‌ای که یکی از نمایندگان ملت « ماد » کنار تخت پادشاه قرار خواهدداد. البته حیوانات درنده بزرگ میتوانستند درباغ وحش جای گیرند ولی چنین بچه شیری را شاهنشاه میتوانست در کاخ خود بپذیرد تا موجبش‌گرمی‌شاهزادگان کوچك شود.

این سر مجسمه های نذری که پادشاهان یا شاهزادگان هخامنشی، که در موارد مذهبی همه عقاید را آزاد گذاشته بودند، به خدایان مصری تقدیم میکردند ، به پـــای مجسمه های‌کوچك گنجینه‌عبادتگاه «اکسوس» ( جیحون) نمیرسند .

بعضی از اشیاء این گنجینه را ماتحت مطالعه قرار داده‌ایم‌و معتقدیم که آنها در زمان «مادی هـا » وارد این گنجینه شده‌اند . در زمـان هخامنشی ها بر تعداد نذر هایی که‌از فلزات قیمتی بـودند در این عبادتگاه افزوده شد .

بنابراین شاهزادگان رادر سراسر کشوربیك طریق مجسم می نمودند و مجسمه کوچك نقره‌ای را کـه شخص ناشناسی باین عبادتگاه‌هدیه کرده‌است نیزدارای همیـــن خصوصیات است : کلاه‌استوانه‌ای شکل بلند که نواری بـه آن اضافه شده ،موهایی که روی‌گوش جمع شده و سبیل هایی که‌دربالای ریش مربعی قرار گرفته‌اند . مشخصات قیافه‌این شخص نیز در نظر گرفته شده : پیشانی کوتاه ، ابروهای کمانی پیوسته و چشم های بادامی و درشت ،و بینی راست‌و بلند . برخلاف صورت و قیافه که با روش حقیقت سازی مجسم گردیده ، قامت‌مجسمه،مانند همیشه ، از جلو ، و بنا بر سنت های‌هنری معمـول در آن زمان نشان داده شده‌است . دراین‌مجسمه یادگار هایی ازهنر لرستان مشاهده میگردد. اگر به مجسمه کوچك برنزی یـك زن ایرانی که در مجموعه آقای مهندس فروغـی حفظ میشود توجه کنیم خواهیم دید که سنت‌های مربوط به روش فنی هنرهای تزیینی بر شکل‌مسلط گردیده‌اند . چین های دایره‌ای شکلی که روی هم قرار داده شده وتمام سطح برنز را پوشانیده‌انـد یك نوع توهم بصری بوجود آورده‌اند .این خطوط در پشت مجسمه کوچك برنزی لرستان‌نشان کفایت نمیکند . مثلا مجسمه دیگری از طلا، که جزو گنجینه جیحون بوده‌است ، شخصی را مجسم کرده ، که شلوار بلند ، و قبای کوتاه سواران را ، بر تن دارد . و روی آن جبهای بردوش‌انداخته است ، وروی لبه آن تزیینات فراوانی دیده می‌شود .

«دالتون» تصور کرده است که این شکل مغی است که « برسمی » دردست دارد .به هر حال از ظاهر این‌مجسمه حالت عبادت و احترام مشهود است ،ولی در دست او «برسم» نیست ، بلکه گل است ، که مجسمه کوچك دیگری ، کـه شرح آن در بالا گذشت ، نیز آن را در دست دارد .بنابراین تصور میکنیم این‌مجسمه کوچك مربـوط بیکی از منصبداران باختر باشد.

شکی نیست که بعضی از جواهر سازان کوشش داشته‌اند ، منظره اجسام را ، حتی در حجم های بسیار کوچك ، بصورت سه بعدی نشان‌دهند ، ولی بااین حـــال فن نقش برجسته ، از بین فرقه است . چه فاصله‌ای را می توان بین مجسمه های کوچك قبلی ، وتصویر این شاهزاده بلافصـــل پادشاهی که در یك ورقه طلامجسم گردیده ، قرار داد - این نقـوش داده شده‌است ، ولی تمام روبـه مجسمه جیحون را پوشانده‌اند و به این طریق از سنگینی مجسمه کاسته ، آن را سبك‌جلوه داده‌اند این هنر پیکر تراشی ، که اصولا بدون حرکت به نظر میرسد، از قوانین تماس ها پیروی مینماید . شخصی که گلی در دست دارد یـا آرنج و یا شانه ازحدود هندسی که در آن محدود شده خارج نمیشود.

باین طریق روش هنر هخامنشی، برای همیشه پایدار میشود ، ولی این‌روش ،برای نشان دادن تمام جهات‌انسان در این محیط شرقی برجسته صاف ، که به برجستگی ها و خطوط منحنی علاقه‌مند است ،با سبکی که هنرمندان قدیم ، در چسباندن قسمت های برجسته بـــه اشیاء برنزی بکارمیبردند شباهت پیدا میکند . از سوی دیگـر، این اشیاء ما را به یـاد مجسمه «آرگیشتی‌اول » پادشاه اورارتو، که تاج‌ستاره دار خدایان را برسر دارد ، و دست راست را بعلامت ستایش بلند کرده‌است ،می‌اندازد. این‌مجسمه را « بارگن دوم » در معبد خدای « خلدی» ، در «مصیصر» پیدا کرده .

ناتمام

# تحقیقی در دیپلماسی ایران باستان

از : پرویز ذوالعین

## قلمرو وسیع امپراتوری های ایران

پس‌از داریوش خشایارشا وارث امپراطور بزرگ هخامنشی گردید. در پیش‌بست قسمتی از پلکان ایوان شرقی کاخ آپادانا حجاریهائی است در بیست وسه مجلس که در فاصله هرمجلس درخت سروی موجود است، پیکر و تصویر نمایندگان ملت‌های تابعه خشایارشا را که در آغاز پادشاهی اوباجگذار ایران بوده‌اند‌دراین جا در سه ردیف افقی نقش کرده و شاهکارهای صنعتی دوران هخامنشیانرا کاملا نشان‌داده‌اند. هردسته از آنها را یك‌تن دربان یا راهنمای پارسی یا مدی ، باگرفتن دست رئیس آنان بحضور شاه راهنمائی میکند. «دراین‌حجاری نمایندگان سی‌ویك ملت خراجگذار نشان داده شده که در جشن نوروز باج وپیشکش خود را بحضور خشیارشا تقدیم میکنند». ازدیدن‌این مجلس حجاری و برندگان باج و پیشکش که مرسوم و معمول هرساله ملل مختلفه بوده ، میتوان به‌اهمیت و وسعت کشور هخامنشیان و جغرافیای‌سیاسی‌وملل‌تابعه‌آن‌بخوبی پی‌برد. (۱) د. تردیکی این نقوش‌دوسنگ‌نوشته از خشیارشا بجای مانده است یکی بخط میخی پارسی‌و یکی بدو خط عیلامی و بابلی که در آن خشیارشا خود را بعنوان «.... یگانه شاهی از شاهان، یگانه فرمانداری ازسیاران...» ستوده است. علاوه‌براینها هفت لوحه سنگی از زمان‌خشیارشا در تخت جمشید بزبان و خط میخی پارسی‌و بابلی کشف شده که در آنها خشیارشا پس از ستایش اهورمزدا و ستودن خود میگوید : «منم خشیارشا ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهائیکه دارای ملل گوناگون است، شاه این سرزمین بزرگ پهناور ، پسر داریوش‌شاه هخامنشی ، خشیارشاشاه گوید: اینست کشورهائی سوای پارسی که بفرمان اهورمزدا من پادشاه آنها بودم ، من برآنها فرمانروائی داشتم، پیش من باج میآوردند، آنچه به‌آنها از جانب من فرمان داده میشد آنرا انجام میدادند ، فرمان من آنجاها روا بود:

ماد ، عیلام ، رخج ، ارمنستان ، سیستان، پارت ، هرات ، باختر ، بلخ ، سغد، خوارزم، بابل ، آشور ، ستاگیه ، لیدیه ، سارد، مصر، یونانیهائیکه در دریار زندگی میکنند وآنهائیکه آنسوی دریا زندگی میکنند، مجیا، عربستان، قندهار، هند، کاپادوکیه، داها ، سکاهوم‌ورکا، سکاتیرخئودا ، مقدونیه ، اکوفچیا ، پوتیا، کرکا، حبشه ....» (۲) بنابرآثاری که بجای مانده در زمان خشیارشا امپراطوری ایران وسعت زیاد یافت، در فهرستی که هردوت از دسته‌های لشگر خشیارشا داده نام چهل‌وسه ملت مختلف که در ایران و ممالك تابعه آن میزیسته‌اند نام برده شده است. (۳) در کتاب استر (توراة) باب اول ، آیه اول درباره‌شاهی بنام «اخشورش» سخن رفته و چنین گفته‌شده است «.... این بیان اخشورش است که ازهند، تا حبش برصدوبیست‌وهفت ولایت سلطنت میکرد». اخشورش را که در توراة نام برده شده عموما با خشیارشا تطبیق میکنند (٤)

بااینکه پس از خشیارشادوره‌انحطاط تدریجی سلسله هخامنشی شروع شد ولی تا مدتها امپراطوری که ایشان تاسیس کرده بودند ازنظر وسعت خاك و کثرت ملل تابعه همچنان ماهیت خود را حفظ کرد. چنانکه آثاری از عظمت این امپراطوری در زمان اردشیر سوم بجای مانده است . در سمت غربی کاخ تچرا در تخت‌جمشید ، در دوطرف داخل و خارج نرده‌های کنار پلکان نمایندگان‌باجگذار ملل مختلفه بمانند نقشی‌که قبلا ذکر آن‌رفت‌ـ هدایای خود را آورده و با راهنمائی دربانان پارسی و مادی از پلکان بالا میروند. در کنار این نقوش سنگ نوشته‌ای ـ باحتمال قریب به‌یقین ـ از اردشیر باقی مانده که وی درآن اهورمزدا را ستوده و از خاندان خویش تجلیل کرده و ضمن آن خود را «یگانه‌شاهی‌ازبسیاری (شاهان) و یگانه فرمانداری از بسیاری (فرمانداران)» خوانده است. علاوه‌براین در یکی از سه دخمه که مشرف به‌تخت جمشید است و در دامنه کوه ساخته شده سنگ‌نوشته‌ای است بسه زبان که برآن اسامی ملل تابعه در دو خط کنده شده و در زیر آن نقش‌بیست‌وهشت نفر نگهدارندگان تخت و دونفر در طرفین تخت دیده میشود توضیح نقوش از چپ براست بدین ترتیب است : «در ردیف بالا : این پارسی است. این مادی است. این خوزستانی است. این پارتی است. این هراتی است. این باختری است. این سغدی است. این خوارزمی است. این زرنگی (سیستانی) است. این رخجی است. این ثتت‌کوشی است. این گندارای‌است. این هندی است. اسکائی‌هوم‌ورکاست.

ردیف پائین : این سکائی تیزخود است. این بابلی است. این آشوری است. این عرب است. این مصری است . این ارمنی است.این‌کاپادوکی است. این سپردی (لیدی) است. این ویناتی است. این سکائی آنسوی دریاست. این سکودری (مقدونی) است. این یونانی سپردار است. این پوتیست . این کوشی (حبشی) است. بالای سر نفر پهلوی چپ : این هجیائی است. بالای‌سر نفر پهلوی راست تخت : این کرکی (کرخی است).» از قرار معلوم این مردمان نامبرده نمایندگان ملتهای کشورهائی هستند که در زمان اردشیر سوم ، تابع وباجگذار ایران بوده‌اند». (٥)

با انقراض سلسله هخامنشی بدست اسکندر مقدونی ، نخستین امپراطوری بزرگ تاریخ‌نیز عظمت خود را از دست داد. معذلك در دوران فرمانروائی سلوکیها که باید ایشان را سلسله مقدونی و ایرانی بشمار آورد دورنمای(سرزمین پهناور) که روزی قلمرو حکومت هخامنشیان بود تا اندازه‌ای حفظ شد. کشور ایران در زمان اعتلای سلوکیها همچنان مرکب از ملل مختلف بود و غیراز مصر ، قفقاز و قسمتی‌از هند، تقریبا تمام قلمرو حکومت هخامنشی را شامل میگردید. (٦)

در دوره اشکانیان که دوره تجدید حیات امپراطوری ایران است، از نظر وسعت‌وقدرت، ایران بزرگترین دولت مشرق باقی ماند. شاهنشاهان این سلسله مدت چند قرن برای حفظ سرزمینهای خود و بازپس‌گرفتن‌سرزمین هائی‌که در زمان هخامنشیان جزو ایران بود با رومیها مبارزه کردند، کشور ایران درزمان مهرداد اول، اشك‌ششم توسعه زیاد یافت.

«دولت پارت در این زمان این ممالك را داشت: پارت .... گرگان ـ باختر مرو ـ خوارزم ـ هرات ـ زرنگ (سیستان) ـ رخج پنجاب هند (بقول دیودور) ـ ولایت ماردها ـ ری ـ ماد بزرگ ـ خوزستان ـ پارس ـ مملکت بابل». و حتی در زمان سلطنت ارد اول (اشك سیزدهم برای مدت کوتاهی برآسیای صغیر تاسواحل‌دریای‌مدیترانه تسلط یافت و «دولت پارت باستثنای مصرتقریبا بحدودی که دولت هخامنشی بعد از جنگهای ایران و یونان داشت رسید. (۷)

در زمان ساسانیان عظمت و وسعت‌امپراطوری تا اندازه زیادی حفظ شد و باز بعضی از سلاطین ساسانی خواستند مرزهای ایران را به وسعت سابق برسانند، چنانکه «دولت شاهنشاهی‌اردشیر (ساسانی) در پناه لشگری آراسته و نیرومند وسعت گرفت. این شاهنشاه سیاست خود رادنباله سیاست هخامنشیان قرارداد ، خود را وارث آخرین داریوش هخامنشی و مجدد و مکمل سیاست اشکانیان می‌شمرد. این سیاست‌عبارت‌بود از تجدید دولت شاهنشاهی شرق که بدست اسکندر منهدم شده بود ...» (۸)

امپراطوری ایران باستان که شامل‌سرزمین وسیعی بود بمانند سایر کشورهای‌قاره‌ای‌آنزمان مرزهای دقیق و ثابتی بمعنی امروز نداشت. اصولا در دوره‌ای که مورد مطالعه ماست،وسعت کشورها، بستگی به‌قدرت حکومتها داشت و بنابراین هرقدر نفوذ واقتدار حکومتی ازیاد میبافت وسعت آنهم بیشتر و در نتیجه دایره مرزهای آن وسیعتر میشد. مرز باین معنی تاحدودی به مفهوم مرزهای متغیر یاسیاه ایدئولوژی امروز نزدیك است که بموجب آن افکار و عقاید ایدئولوژی حدودی برای خود نمی‌شناسد. در قدیم موانعی که توسعه قدرت دولتها را سد میکرد گاه عوامل انسانی و گاه عوامل طبیعی بود. عوامل انسانی وجود اقوام مقتدر و ملل متمدن و متشکل همجوار بودکه با برخورد باآنها توسعه حکومتهامتوقف‌میگردید و عوامل طبیعی وجود دریاها و کوهها ورودها و بیابانهای صعب‌العبوربود که پیشرفت‌حکومتها را در سرزمین‌های دورتر مانع میشد. قلمرو امپراطوری ایران در دوره‌های مختلف باستانی ازطرف مغرب براثر برخورد باعوامل انسانی یعنی حکومتهای متشکل و متمدنی که در بین‌النهرین و آسیای صغیر و سواحل‌مدیترانه بودند محدود میگردید و از جهات دیگر یعنی از طرف سرزمینهای ناشناخته آفریقائی‌و آسیائی قلمرو شاهنشاهی محدود بموانع طبیعی بود. مرزهای نوع اول معمولا بدنبال جنگها، بتراضی حکومتها و بطور دوجانبه تعیین‌میشد و نسبتا مشخص و دقیق بود درحالیکه مرزهای نوع دوم خط دقیق و ثابتی نداشت و بطور یك‌جانبی تعیین میگردید. در مناطقی که‌احتمال حملات غیرمنتظره از طرف اقوام وحشی و غیرمتشکل میرفت معمولا برای حفظ وحراست کشور دیوار یا خندق و یا استحکامات دیگری احداث میگردید و این موانع نیز معمولا در طول مرزهای یك جانبی ساخته میشد.

(۱) ـ (راهنمای تخت جمشید) تالیف حسین بصیری ـ چاپ تهران ـ سال ۱۳۲۵ ـ ص۲۰و۲۱

(۲) ـ (راهنمای تخت جمشید) مذکور در قبل‌ـ صفحه ٥٦ و ٥٧

(۳) ـ (تاریخ هردوت) ـ ترجمه و توضیح دکتر هادی هدایتی ـ مذکور در قبل ـ کتاب هفتم ـ بند ٦۰ به بعد.

(٤) ـ (تاریخ ایران) ـ تالیف ژنرال سرپرسی‌سایکس ـ ترجمه سید محمدتقی فخردامی گیلانی‌ـ جلد اول ـ صفحه ۲۸۱ ـ ۲۸۲

(٥) ـ (راهنمای تخت‌جمشید) ـ مذکور در قبل‌ـ صفحه ٦۲ـ٦٤

(٦) ـ (تاریخ ایران باستان) ـ مذکور در قبل‌ـ جلد هشتم صفحه ۲۰۹٦ ـ همچنین در صفحات ۲۱۰۱ و ۲۱۰۲ نام ایالات و ولایات جزو قلمرو سلوکی‌مشروحا ذکر شده است.

(۷) ـ (تاریخ ایران باستان) ـ مذکور در قبل‌ـ جلد هشتم ـ صفحات ۲۲۲۱ و ۲۲٤٤ ـ در صفحه ۲٦٤۰ نام ممالك تابعه دولت پارت‌یکایك‌ذکر شده‌است. (۸) ـ (ایران در زمان ساسانیان) ـ تالیف‌پرفسور آرتورکریستن سن ـ ترجمه رشید یاسمی ـ مهرماه۱۳۱۷ ـ چاپ تهران ـ صفحه ۱۳٦

## دستها و پندارها...

بقیه از صفحه ۱

« من اهورامزدا را پرستش کردم . اهورامزدا مرا یاری‌کرد . آنچه‌راکه بانجام‌دادن‌آن ، فرمان از سوی من دادمشد ، او ، انجام آن‌را برای‌من نیك‌گردانید . آنچه‌من کردم ، همه بخواست‌اهورامزدا کردم.»

« این‌کاخ‌که درشوش بکردم . ازراه‌دور ، دیوار آن آوردمشد . زمین بسوی پائین کندمشد. تا در زمین به سنگ رسیدم . چون‌کندوکوب انجام‌گرفت ، پس‌از آن از شفته انباشتمشد . بخشی‌چهل ارش در ژرفا . بخشی دیگر ، بیست‌ارش در ژرفا . روی‌آن شفته ، کاخ‌بناشد.»

« بخش‌هائی از سنگ نبشته داریوش یکم شاه بزرگ هخامنشی درشوش .»

از زندگی ، گزیری نیست . و زندگی، هدیه‌ایست‌که آفریدگار ، آن‌را به انسانها ، و دیگر موجودات ، ارزانی داشته است. وانسان ، هستی خودرا ارج می‌نهد و انسان ، زندگی‌را پاس میدارد . زیرا ، هدف از زندگی ، درسطحی جامع وکلی ، خود زندگی است. انسان بخاطر زیستن‌است که زندگی میکند . و زندگی میکند چراکه مفهوم‌نیکبختی و حیات و راز آفرینش درزندگی‌مستتر است . انسان‌زندگی را ارج می‌نهد وپاس میدارد واگر خطری ، درهر هیئت ، زندگی‌اورا تهدید به نابودی‌کند بدفع‌آن میکوشد. وبرای اینکار از اندیشه‌ی خود یاری میجوید . انسان ، از نقطه‌نظر مادی‌بودن ، درتمام لحظه‌های هستی ، نمودی یکسان‌دارد . واگر توان‌او ، آگاهی‌او ، برداشت ودریافت‌او ، عواطف و احساسات‌او ، درهرلحظه از زندگی درحال دگرگونی است ، اما از جنبه مادی ، درهمه‌حال ، طبیعتی یکسان‌دارد. و واکنش‌او ، دربرابر پدیده‌ها یکسان‌است.

او ، خطر را درمی‌یابد و به تلاش می‌آغازد تا آن‌را ازمیان‌بردارد ، یا خودرا ازگزند آن مصون دارد.ونخستین واکنش‌بشر برای ادامه‌ی حیات ، مبارزه‌او با ناهمسانی‌های طبیعت‌است. و بزرگترین‌گامی که‌دراین راه برداشته ، برگزیدن راه « اجتماعی‌زیستن » است. واینکار خود ، ضرورت انجام اعمالی‌را پدید آورده‌است که نخستین‌آن تامین مسکن و آبادانی‌شهرهاست.

و داریوش ، بنیانگذار آئین مردمی وادامه‌دهنده‌راه داد و عدل کوروش ، خود یکی از انسان‌های برگزیده‌ای است‌که به آبادانی همت‌میگمارد تا ازاین‌راه انسان را در ادامه هستی یاری‌دهد و سنت‌اورا ، که پرتوی ازمنش‌خدای بزرگ‌است. گرامی‌دارد . اوکاخی‌را برمی‌افرازد که نامش جاودانه ، برسینه‌ی تاریخ بدرخشد و آثار آن ، تا قرن‌ها ، اعجاب و شگفتی انسانهارابرانگیزد . بدستهای سازنده داریوش درودفرستیم .

# جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران

دربرتو تحقق آرمانهای انقلاب سفید

## مردم ایران بآینده خود بااطمینان مینگرند

بقلم : سردنیس رایت

دنیس رایت نویسنده مقاله

من این شانس و فرصت‌رابدست آوردم که دوبار در ایران خدمت نمایم . مرتبه اول از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ بطول انجامید . دراین فاصله روابط دیپلماتیك بین ایران و بریتانیا پس از قطع آن دراکتبر ۱۹۵۲ در جریان ملی شدن‌صنعت نفت دومرتبه برقرار شده بود و بتدریج رو به توسعه گذارد .بار دوم بعنوان سفیرانگلستان از۱۹۶۲ تا ۱۹۷۱ به خدمت پرداختم و در این دوره ایران و بریتانیا دارای بهترین و نزدیکترین روابط ممکن بودند . در این موقعیت فرصت یافتم که بهتر ایران و مردم آن را بشناسم و بویژه از پیشرفت های قابل توجهی که ازسال۱۹۶۲ بدست شاهنشاه و در نتیجه انقلاب سفید در ایران حاصل شد آگاهی یابم . این پیشرفت‌ها در زمینه‌های گوناگون اصلاحات‌ارضی بسط و توسعه آموزش و تعلیم و تربیت ، سهیم کردن‌کارگران در منافع کارخانه‌های صنعتی واعطای حق رای به زنان انجام شد .

در حقیقت در ایران انقلابی اجتماعی و اقتصادی صورت‌گرفته که با سرزمینی که من در سال ۱۹۵۳ مشاهده کردم تفاوت بسیار دارد . جامعه‌ای که بـه‌ترتیب بوجود آمده یا گذشته درخشان ایران متناسب میشود و میتواند افتخارات گذشته را تجدیدنماید. ایرانیان با اعتماد و اطمینان به آینده خود مینگرند و باید روح حقیقی دو هـزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران راکه در اکتبر برگذار میشوددر این واقعیت دانست . نتایج مثبت برنامه های پنج‌ساله و افزایش درآمد کشور از نفت ، مس و سایر منابع ثروت و همچنین دیگر پیشرفت های اقتصادی ایران را بمنطقه‌ای مناسب برای جلب سرمایه های خارجی و همچنین مبادلات‌خارجی تبدیل نموده است .

هم‌اکنون ایران سرزمین‌جالبی برای مسافرت است اگر توریستی که به ایران میرودمشتاق دیدن بناها و آثار باستانی باشد اینگونه آثار را در سراسر ایران خواهد یافت و اگر خواستارزیبائی های دست‌نخورده‌طبیعت باشد به همه موهبت های طبیعت از کوه تا دشت و از جنگل تا بیابان در این کشور برخورد خواهد کرد و بالاتر از همه توریست مزبور با مردمی باهوش، باتمدن و تربیتی در سطح بالا ، میهمان‌نواز و با شخصیت روبرو خواهد شد .

«از مجله اینسنتیو»

## انعکاس در جهان

الرای‌العام

چاپ کویت

## رهبران هندوپاکستان در تخت جمشید اختلافات خودرا برطرف می کنند

### مذاکرات مهم سیاسی بین رهبران بزرگ شرق و غرب در تخت جمشید

کویت ــ روزنامه الرای العام (چاپ کویت) مینویسد: در ماه اکتبر آینده دولت ایران دوهزار و پانصدمین سالروز بنیانگذاری شاهنشاهی را که بدست کوروش کبیر تاسیس شده است جشن میگیرد و در حدود ۶۰۰ نفر از پادشاهان و روسای جمهور و حکام و نخست وزیران دراین جشن شرکت کرده و میهمان دولت ایران خواهند بود . از نامبردگان در تخت جمشیدکه در زمان قدیم محل برگزاری جشن‌های شاهنشاهی بوده پذیرائی خواهد شد . از بین رهبرانی که به‌ایران خواهند آمد پرزیدنت یحیی خان رئیس جمهوری پاکستان و «وی.وی. گیری» رئیس جمهوری هند میباشند.محافل سیاسی معتقدند که دو رهبر مزبور مذاکراتی درباره‌بازگشت ثبات و صلح و آرامش به منطقه شبه قاره هندوستان بعمل خواهند آورد . جشن‌ها تا یك ماه‌ونیم دیگر برگزار خواهند شد مع‌الوصف در برخی از پایتخت های بزرگ اقداماتی برای از بین بردن دشمنی بین دو دولت وفراهم کردن زمینه برای ملاقات دو رهبر نامبرده بعمل آمده است. درباره پناهندگان پاکستانی که اکنون در هندوستان هستند دولت‌پاکستان میگوید دولت هند میخواهد با نگاه‌داشتن پناهندگان در سرزمین خود حقد و کینه در دل پاکستانی‌ها ایجاد کند و شعله آن را افروخته‌تر نماید. دولت هندوستان‌اکنون‌خدمات و کمك‌هائی به‌پناهندگان پاکستانی مینماید. سازمان‌های خیریه و جمعیت های صلیب سرخ جهانی نیز کمك های قابل ملاحظه‌ای به‌پناهندگان پاکستانی نموده‌اند.

ناظران سیاسی معتقدند که برگزاری جشن‌های شاهنشاهی در ایران فرصت مناسبی برای فعالیت رهبران سیاسی جهان، که بین برخی از آنان دشمنی و اختلاف وجود دارد، میباشد. در جشن‌های مزبور که بمدت سه روز انجام خواهد گرفت پادگورنی رهبر شوروی و نیکسون رئیس جمهوری‌امریکا نیز شرکت خواهند داشت. بعضی ازسیاستمداران میگویند احتمال دارد با ملاقات های رهبران جهان در جریان این جشن‌ها تحولات سیاسی غیرمترقبه‌ای صورت گیرد. بعضی براین عقیده هستند که شاهنشاه ایران که از اقدامات دولتین رومانی و پاکستان در نزدیك ساختن نظرات‌واشنگتن و پکن خرسند شده‌اند‌اقداماتی برای ملاقات و نزدیکی دو رهبر هند و پاکستان بعمل آورند.

اوبزرفر تیزن

## تجدید خاطره‌ای از یک شکوه بزرگ

لس‌آنجلس‌تایمز ــ چاپ‌آمریکا

## کورش کبیر ناجی بشریت

هنگ‌کنگ استاندارد

### استفاده دائم از وسایل جشن شاهنشاهی

● روزنامه ایوبنینگ سیتیزن در مقاله‌ای‌تحت‌عنوان «تجدیدخاطره‌ای از یك شکوه بزرگ» نوشته‌است . ایران‌دارای قدیم‌ترین پادشاهی‌های جهان و صاحب کهن‌ترین تاریخها است و در مراسم جشن شاهنشاهی ایران رژه نظامی برپا خواهد شد وبخاطر بزرگداشت کورش کبیر موسس شاهنشاهی ایران و اولین صادر کننده اعلامیه حقوق بشر و کسیکه برای اولین بار در دنیا سیستم ارتباطات و پست را پدید آورد این مراسم بناءو انجامی‌ـ گیرد و سلاحها و لباسهای زمان اووادوار بعدی شاهنشاهی ایـران بطرز جالبی نمایش دادهخواهدشد.

● خبرگزاری رویتر در یـك گزارش انحصاری که از تهـران برای روزنامه لس‌آنجلس تایمزتهیه کرده مینویسد :

در مراسمی که‌دراکتبر امسال‌در ایران برپا میشود پادشاه،روسای جمهوری و شخصیتهای مهمدولتی‌از سراسر جهان شرکت خواهندداشت اجتماع این رهبران در تخت‌جمشید پایتخت ایران باستان و در تهران پایتخت کنونی این کشور صورت میگیرد .ایران باداشتن ۲۵۰۰ سال سابقه شاهنشاهی قدیمترین کشور پادشاهی جهان راتشکیل میدهد.

لس آنجلس تایمز سپس بـه خصوصیات کاخ تخت جمشید و پادشاهان هخامنشی که این کاخ‌را پدید آورده‌اند پرداخته و شرحی در باره کوروش کبیر موسس شاهنشاهی ایران چاپ کرده است. این روزنامه ضمن اشاره بـه استوانه‌کورش که‌از گل پخته‌درست شده‌است مینویسد :

موسس شاهنشاهی ایران پس از فتح بابل اولین اعلامیه حقوق بشر را روی‌این استوانه ثبت کرد و فرمان آزادی اسیران و بازگشت یهودیان اسیر را بکشورشان صادر نمود ازاین رو درادبیات مذهبی یهودیان و مسیحیان از کوروش کبیر بعنوان ناجی منصوب ازطرف خداوند یادشده‌است .

● نشریه پرتیراژ و متشنفهنگ‌ـ کنگ استاندارد دریك مطلب پنج ستونی و یك تصویر دوستونی از مراسم تاجگذاری شاهنشاه آریامهر شرح مفصلی درباره دو هزار و پانصدمین‌سال‌بنیانگذاری شاهنشاهی ایران ومراسم‌آن درج کرده است.

این‌نشریه مینویسد انبوه‌گرانمایه وبزرگی از پادشاهان ــ ملکه هاـ روسای جمهوری ــ نخست وزیران و شخصیتهای برجسته دیگر در این مراسم حضور خواهند یافت و از افتخار میزبانی مستقیم شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانوفرح برخوردار خواهند شد .

این نشریه به تاثیر جشن های شاهنشاهی‌درعمران و آبادانی‌کشور اشاره کرده و مینویسد: برداشت تدارکات وتهیات این جشن ها طوری است که تمام تجهیزات و وسائل آن بعدا مورد استفاده دائم قرار خواهد گرفت . ایجـاد خط ارتباطی مایکروویو ــ احداث شاهراههای جدید در فـارس و احداث خیابان های مدرن وجدید پایتخت از جملـه این تدارکـات است.

### رئیس کمیته اجرائی جشنها در لوکزامبورگ

لوکزامبورگ ــ بانوفریدن ــ کین نن وزیر فرهنگ‌و هنر و بهداشت وامور اجتماعی لوکزامبورگ بست ریاست کمیته اجرائی جشنهای دوهزار و پانصد ساله بنیانگـذاری شاهنشاهی ایران در لوکزامبورگ انتخاب شد .

گزارش رسیده حاکی است در شیافتی که اعضـای کمیته لوکزامبورگ برای جشن های دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران بر پا کردند ، این انتخاب انجام شده است . دراین ضیافت که رئیس مجلس ونخست‌وزیر ووزیر امور خارجه لوکزامبورگ و همه اعضای کمیته جشنها درآن شرکت داشتند سفیر شاهنشاه آریامهر در پروکیل نطقی درباره شخصیت کورش کبیر وهدف جشنهای شاهنشاهی ایـران ایراد کرد.

از : کویته‌تایمز

چاپ پاکستان

## لوحه یادبود کورش درسازمان ملل متحد

«رهبر ایران ، وارث بزرگترین وقدیم‌ترین شاهنشاهی جهان دوهزار وپانصدمین‌سال بنیانگذاری این شاهنشاهی راجشن میگیرد و بهمین مناسبت شاهنشاه ایران سال خورشیدی‌جاری راسال‌کورش‌کبیر موسس شاهنشاهی ایران نامگذاری کردند.»

کویته‌تایمز دریك گزارش‌بسیار مفصل درصفحات۲ و۶شماره هفدهم زوئیه خود مینویسدست کم هفتادتن‌از پادشاهان ،ملکه‌ها، روسای‌جمهوری ونخست وزیران همراه باهزاران تن‌از مهمانان‌عالیقدر درسراسرجهان‌دراین‌مراسم‌شرکت‌خواهندکرد این مراسم‌بنام‌کورش‌کبیر اولین ناجی ومدافع حقوق‌بشر برگزار میشود.

کویته تایمزپس‌از چاپ فهرست رهبران جهان‌که‌دراین مراسم شرکت خواهندکرد بشرح تاریخ شاهنشاهی کورش‌کبیر پرداخته‌است و مینویسد این شاهنشاه پس‌ازاعلام شاهنشاهی ایران و فتح‌بابـل بدعتهائی باقی گذاشت‌کـه ویژگی ها ونوآوری آن‌حتی تاامروزنیز باقی‌است واصالت‌آن ادامه یافته‌است.

### احترام به اسرا

کویته تایمز مینویسد : کورش‌کبیر پس‌از فتح بابل برخلاف تصور مردم آن‌روزگار که‌از فاتحان جزویران‌سازی واسارت آفرینی انتظار دیگری نداشتند بمعبد بابل رفت و برسم احترام بسنت‌های ملل شکست خورده عصای شاهنشاهی خود رادربرابر مردوك خدای بزرگ بابلیان قرارداد.

کویته تایمز مینویسد بی جهت نیست‌که درکتابهای آسمانی و مقدس مذاهب ازکورش بعنوان‌فرستاده‌خدا وناجی یادشده‌است وبی جهت نیست‌که‌اینك پیشنهاد میشود بیاد منشور حقوق‌بشر کورش،لوحه یادبودی در سازمان‌ملل‌متحد نصب شود.

کویته تایمز سپس به‌اقدامات بعدی‌کورش درآزادکردن‌یهودیان و دادن‌کمك مالی بآنها برای تجدیدبنای‌معبد فلسطین اشاره‌کرده‌ومتن منشور کورش راکه براستوانه معروف کورش ثبت است چاپ کرده است .

# زن ایرانی و جامعه شاهنشاهی

**در تمدن ایرانی ، زن هیچگاه بطور کامل در محاق فرونرفته واز تعلیم و تربیت محروم نمانده است. تنها به دوره‌هایی کوتاه و گذرا برمی‌خوریم که درباره زنان، ازاین نظر ، غفلتی شده است آن‌هم بعلت چیر زمان و شرایط حاکم اجباری ، غیراز آن، درمقایسه باغالب تمدنهای دیگر، نقش و اهمیت زن ایرانی ، به‌مراتب مهمتر و بیشتر بوده است. دراین شماره بررسی کلی در وضع زن ایرانی از دیرباز تا امروز است که دراین مورد خاص برای توضیح بیشتر از خانم دکتر سیمین رجائی دبیرکل سازمان زنان ایران مدد می‌گیریم و بعد این امید را داریم که طی‌شماره‌های آینده ، آئینه‌ای روشن‌تر در برابر موفقیت امروز زن‌ایرانی که بصورت رکنی از جامعه شاهنشاهی ایران جلوه‌گر شده است قرار دهیم :**

وضع آموزش وپرورش زنان درطول ۲۵۰۰ سال‌تاریخ شاهنشاهی پرافتخار ایران باتغییرات و تحولات گوناگونی هم‌ام بوده است. شرح این تحولات و تغییرات در ادوار مختلف تاریخی بطور خلاصه بدین صورت میباشد:

## از آغاز بنیان‌گذاری شاهنشاهی تا صدراسلام

تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران باتقش موثر یك‌زن درآموزش و پرورش آغاز میگردد. این زن «ماندانا» مادر و مربی کوروش‌کبیر ، بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران میباشد.

عده زیادی از مورخین‌عقیده‌دارند که‌اگر کوروش‌کبیر تحت مراقبت آن زن خردمند تربیت نمیشد بسلطنت‌نمیرسید.

پس‌از نام «ماندانا» بنام «آتوسا» برمیخوریم که بقول نخستین زن شاعره و ادیب ایران بوده است. این زن دختر کوروش، همسر داریوش و مادر خشایارشا بود که بقول «پیترجولیوس‌جونگ» مؤلف کتاب داریوش یکم پادشاه پارسیها «درهمه کارها، درهمه مسؤولیتها و در همه مشقات زندگی شاه سهیم بود او حتی خط جدید را آموخته بود » در تربیت نجیب‌زادگان دربار بسیار میکوشید.»

در مورد وضع آموزش و پرورش در طبقات پائین‌تر با مطالعه مدارك و کتب مذهبی که از زمان هخامنشیان باقیمانده است بخوبی روشن میشود که مردم این کشور برای تعلیم و تربیت دختران اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بوده‌اند واز عهد ساسانیان علاوه‌بر احکام‌دینی زرتشتیان ، در نوشته‌هائیکه از نویسندگان و بزرگان ایران باستان باقیمانده است ازجمله دریندنامه آذرمهر اسپندان می‌بینیم که مردم بفراگرفتن‌دانش و هنر و تربیت فرزندان چه دختر و چه پسر تشویق شده‌اند و قرائن مطمئن در دست داریم که دختران اشراف‌و نجبا علاوه‌بر تعلیمات خانه‌داری که مخصوص عموم دختران بوده‌به تحصیلات نظری نیز می‌پرداختند و بعضی از آنان بدرجات عالی هم نائل میشدند و از نظر روحانیت تادرجه «زاوتا» که عالیترین مقام دینی بوده میرسیده‌اند.

## از صدر اسلام تا آشنائی با فرهنگ و تمدن غربی

از آنچه که ذکر شد و نیز از مطالعه سایر مدارك‌و شواهد موجود میتوان استنباط نمود که ایرانیان برای پذیرش تعالیم اسلامی‌که کسب دانش را برهرفردی از مردان وزنان مسلمان از واجبات میداند آمادگی بیشتری داشتند. باوجود این نباید تصور کرد‌که این تعالیم عالیه عینا در جوامع اسلامی تحقق یافت بلکه بیعدالتیهای اجتماعی در ادوار بعد بخصوص در زمان حکومت امویان و عباسیان نه‌تنها آموزش و پرورش دختران بلکه آموزش و پرورش مردان را نیز با دشواریهائی همراه ساخت.

پس از آنکه ایرانیان خود را از سلطه اعراب رهائی بخشیدند، و دانشمندان و سخنوران بزرگی از بین مردان درایران ظهور کردند بازهم زنان از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم بودند و وظیفه‌ای جزماندن درخانه وحفظ عفت خود و نگهداری از اطفال نداشتند.

دراین دوره حتی تا مدتها بعد وسیله عمومی آموزش زنان مجالس وعظ و سخنرانی بود که معمولا درمساجد تشکیل میشد و مکتبهائی نیز وجود داشت که بوسیله زنان اداره میگردید و درآنها دختران از ۵یا۶ سالگی تا حدود ۹ سالگی با پسران بمکتب میرفتند و تنها بعضی از بزرگان درخانه برای دختران خود معلم میگماشتند تا از پشت‌پرده بآنان دانش بیاموزند بنابراین شگفت نیست که اگر در تاریخ ایران بنام سخنورانی چون رابعه و مهستی برمیخوریم.

## از آشنائی با فرهنگ وتمدن غربی تاکودتای ۱۲۹۹

این دوره از قرن یازدهم باآمدورفت تجار و سیاحان ا زاروپا به‌ایران و بالعکس شروع میشود. در قرن سیزدهم چندتن برای تحصیل علم طب به‌انگلستان و نیز ۵ تن برای کسب علوم جدید بفرانسه اعزام شدند.تاسیس‌مدرسه‌دارالفنون و تاسیس وزارت علوم که بعدا وزارت معارف نام گرفت و نیز تاسیس مدارس متعدد پسرانه و دختران که تعدادی از آنها توسط خارجیان اداره میشد و از همه مهمتر تاسیس دارالمعلمات برای تربیت آموزگار زن ازاقدامات مهم این دوره است.

دراین دوره بعضی از خانواده‌ها علی‌رغم مخالفتهای شدید، دختران خود را به‌مدارس جدید میفرستادند ومکتبها نیز بشرحی که قبلا ذکر شد وجود داشت و در آنها دختران تا حدود ۹ سالگی خواندن قرآن و بعضی کتب فارسی را می‌آموختند.

## از کودتای ۱۲۹۹ تاانقلاب سفید

پیشرفت واقعی آموزش و پرورش ایران از کودتای ۱۲۹۹ شروع گردید. در سال ۱۳۰۰ آموزش بدو دوره تقسیم شد.

کتب درسی متبازی توسط وزارت فرهنگ برای تمام دبستانهای کشور تالیف و در سال ۱۳۱۲ دبستانهای دولتی در تمام کشور مجانی اعلام گردید ، درسال ۱۳۱۳ بنیاد دانشگاه تهران بدست اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر گذاشته شد و دانشراهای مقدماتی برای تربیت آموزگار تاسیس گردید.

براثر این قبیل اقدامات درسال ۱۳۲۰ تعداد شاگردان کشور بنزدیك سه‌برابر شد و بعداز آن نیز تا شروع پیشآمد جنگ جهانی دوم، سرعت پیشرفت آموزش‌و پرورش را تاحدی کاهش داد و بعداز آن نیز تا شروع انقلاب سفید بااینکه هرسال نسبت بسال قبل پیشرفت قابل توجهی درامر آموزش و پرورش بوجود آمده است معهذا این پیشرفتها در مقایسه بابعداز انقلاب سفید ناچیز جلوه مینماید.

## زن درسال‌های انقلاب سفید

پیشرفتهای مربوط به‌آموزش ابتدائی ــ بموجب آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش از سال تحصیلی۳۶ــ۱۳۳۰ تا ۴۹ ــ ۱۳۴۸ تعداد دختران دبستانی از ۲۷۸۷۰۷ نفر به ۱٫۰۶۹٫۳۳۱ نفر و تعداد آموزگاران زن از ۱۵٫۶۴۳ نفر به ۳۳٫۷۲۵ نفر رسیده است و تعداد دانش آموزان دختر دانشراها و سایر موسسات تربیت معلم در همین‌مدت از ۳۴۷ نفر به ۶۵۳۳ نفر بالغ شده و بعبارت دیگر ۱۹ برابر افزایش یافته است.

بعلاوه در پایان سال تحصیلی ۴۹ــ۱۳۴۸ تعداد ۳۲۱٫۲۳۹ نفر نوآموز خردسال که ۲۰ درصد آنان دختر بوده‌اند و تعداد ۷۲٫۴۱۱ نفر نوآموز بزرگسال که ۲۷درصد آنان زن بوده‌اند درمدارس سپاه دانش بتحصیل اشتغال داشته‌اند و تعداد سپاهیان دانش دختر درهمین تاریخ ۲۷۱۵ نفر بوده است.

از تعداد ۸٫۶۴۱٫۱۱۵ نفر نوآموز که درانستدماه ۱۳۴۸ درکلاسهای پیکار بایسوادی بتحصیل اشتغال داشتند تعداد ۳۳۱۹۳۱ نفر آنان زن بودند. سازمان زنان ایران نیزدرسال گذشته د رسراسر ایران دارای ۴۶۰ کلاس آموزشی بودکه جمعا ۱۲٫۴۵۱ نفر درآنها بآموختن سواد و هنرهای‌دستی اشتغال داشته‌اند.

آموزش متوسطه ــ تعداددختران‌دبیرستانی‌از۱۱۳٫۲۱۳ نفر در۱۳۴۱ تحصیلی ۴۳ــ۱۳۴۲ بنزدیك سیصد هزار نفر در سال تحصیلی ۴۹ــ۱۳۴۸ رسیده و نیز از سال تحصیلی۴۵ــ۱۳۴۴ تا ۴۹ــ۱۳۴۸ نسبت دبیران مرد بدبیران زن از ۳٫۲ به ۲٫۹ کاهش یافته است.

علاوه‌بر دبیرستانهای عادی در سال تحصیلی ۴۹ــ۱۳۴۸ تعداد ۴۵۱۳ دختر در آموزشگاههای حرفه‌ای وهنرستانها از جمله دو آموزشگاه وابسته به‌سازمان زنان ایران بتحصیل اشتغال داشته‌اند.

آموزش عالی ــ تعداد دانشجویان پسر در سال‌تحصیلی ۴۹ــ۱۳۴۸ در مقایسه باسال تحصیلی ۴۵ــ۱۳۴۴ ، ۲٫۲ برابر و تعداد دانشجویان دختر درهمین مدت ۲٫۴ برابرشده است و بموجب آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش‌درسال تحصیلی ۴۹ــ۱۳۴۸ در ۸ باب دانشگاه و ۷۳ باب مؤسسه عالی ۵۰٫۳۹۹ نفر دانشجوی پسر و ۱۶۸۵۴ نفر دختر بتحصیل اشتغال داشته‌اند.

## آینده امید بخش

باتوجه به‌استعداد غیرقابل انکار دختران و زنان‌ایران در درك و فراگیری هرنوع مواد و مطالب درسی و نظر به توجه مخصوصی که از طرف مقامات مربوطه به‌پیروی ازنیات رهبر خردمند انقلاب ایران شاهنشاه آریامهر بامر آموزش‌و پرورش عمومی بالاخص آموزش و پرورش دختران مبذول شده و میشود اطمینان میرود که بزودی نه‌تنها بیسوادی از بین تمام زنان و مردان ایرانی ریشه‌کن شود بلکه تفاوت موجود بین تعداد زنان ومردان تحصیل کرده نیز بحداقل ممکن کاهش یابد و زنان ایران بتوانند نقش واقعی‌وشایسته خود را در ساختن ایران آباد و مترقی آینده بخوبی ایفاء نمایند.

# معجزه نوسازی وپیشرفت

بقیه از صفحه ۱

و پرثمر فرهنگی‌را پیدا کرد ؟ کدام ملت از ملل پیشرفته و برتارك تمدن ایستاده نظیر این جنبش بی‌مانندرا در سینه تاریخ‌خود دارد؟

باکدام نیرو و جاذبه میتوان ، در سرزمین‌های دیگر کارهایی به عظمت و شگرفی رستاخیز فرهنگی جشن‌های شاهنشاهی ایران برپاکرد ؟

**این تنها جاذبه وکشش بی‌زوال آئین شاهنشاهی ایران بودکه ملت‌مارا ، به چنین اندیشه‌ای و سپس ، به‌مسابقه برای سریع کردن آهنگ اجرای‌آن سوق‌داد**

از روزی‌که مردم، دعوت شدند تابه‌تعدادسالهای شاهنشاهی فرهنگ‌آفرین ایران ، در روستاهای‌کشور، مدرسه بسازند ، تا روزی‌که پایان این دعوت اعلام شد ، همه‌جا پیوستن به‌این دعوت ، بحث‌روز بود ، و مردم بیداردل وطن‌ما ، ناگهان ، احساس کردند، جبهه‌یی ، برای نمایش اراده آنها ، در قلمرو پیکار های ملی ، گشوده شده است . وهمه باین جبهه روی آوردند . و برنامه‌یی اجرا کردند‌که بجای‌دوهزارو پانصد روستا ، چهار هزار روستا ، صاحب مدرسه شد

همین معیاری است ، که‌باآن میتوان ، عظمت حرکتی‌راکه‌اهرم جشن‌های شاهنشاهی ، در تمام شئون نوسازی پیشرفت ایران ، پدید آورده است مجسم ساخت .

این‌که ، به‌نشانه دوهزاروپانصد سال شاهنشاهی ایران ، مردم تصمیم بگیرند که در دوهزارو پانصد روستای کشور مدرسه بسازند . و هنگامی‌که زمان تعیین شده برای مدرسه سازی پایان می‌یابد، معلوم شود ، بجای دوهزار وپانصد روستا ، چهار هزار روستا صاحب مدرسه شده است.

هیچ‌یك از برنامه‌های پیشرفت و نوسازی ، در جهان ، چنین امکان بسیج ملی‌که برنامه‌های نوسازی ایران ، دارد ، دراختیار ندارند ، موفق‌ترین‌برنامه، پیروزی خودرا باین مناسبت جشن میگیرد‌که‌توانسته است ، برنامه پنجساله را چهار سال انجام بدهد .

اما ، جشن‌های شاهنشاهی ایران ، با جاذبه‌خود، نیرویی‌راکه داوطلبانه بمیدان آمده تا در دوهزارو پانصد روستا مدرسه بسازد چنان به شوق درمی‌آورد که حین‌کار می‌بینند ، در چهار هزار روستا مدرسه ساخته‌است.

ملتی‌که چنین به آئین شاهنشاهی خویش عشق میورزد ، حق دارد ، اراده‌کند ، جشن‌های شاهنشاهی را به «معجزه پیشرفت ونوسازی» تبدیل سازد. واین معجزه ، تنها درقدرت آئین شاهنشاهی ایرانست، وهیچ سحری باآن برابری نمیتواند کرد.

دیگران می‌بینند چگونه شاهنشاهی ایران‌منشاء نیرو و منشاء بعثت ملی است ، واز درك راز این چشمه فیاض عاجزند ، چون آنها ، از سرچشمه دو هزاروپانصد سال آئین شاهنشاهی برخوردارنیستند، آنها حتی‌یکی از جلوه‌های این‌شط خروشان تمدن و فرهنگ جهان را نیز درتاریخ خود ندارند .

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران
نشریه مخصوص وزارت اطلاعات
این روزنامه طی ۱۰۰شماره همراه باجراید کشور و برابر با تیراژ کلیه روزنامه‌ها چاپ و منتشر میشود .
تهیه و تنظیم زیرنظر : ایرج تبری

# روزشمار انقلاب سفید

۶ بهمن ۱۳۴۱ — مردم با یکدیگر — روزشمار انقلاب سفید

**۷ — اردیبهشت**

● آغاز اجرای طرح انتقال گاز ونفت ازمراکزاستخراج درآغاجاری به اصفهان اعلام شد .
● کار ساختمان کشتارگاه جدید شیراز پایان یافت .
● مرحله دوم اصلاحات ارضی دردهات موقوفه ایجانی ـ رستم‌آباد ـ حسن‌آباد ـ وحق‌ساسان ازتوابع کازرون اجرا شد .

**۸ — اردیبهشت**

● اعتباری بمبلغ ۱۸ میلیون ریال برای احداث دوپارك در نارمك و نازی‌آباد اختصاص یافت این پارك‌ها شامل تاسیسات ورزشی و تفریحی هستند .

**۱۱ — اردیبهشت**

● اجرای طرح اسفالت اساسی شهر تهران آغاز شد .
● مرحله‌دوم‌اصلاحات ارضی‌درشهرستان‌های آستارا ـ بهشهروشهسوار پایان یافت .

**۱۲ — اردیبهشت**

● اعتبار لازم برای احداث تاسیسات تولید نیروی برق در ٤بخش از بخش‌های ناحیه شهرستانهای استان کرمستان تامین گردید .
● بین تهران وچاکارتا رابطه تلفنی برقرار شد .

**۱۳ — اردیبهشت**

● مرحله دوم اجرای قانون اصلاحات ارضی در سه شهرستان : ساری ـ آمل و نور در مازندران آغاز شد .
● سازمان برنامه مبلغ ۳٫۷۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال برای ساختن ۳۰۰۷ کیلومتر راههای فرعی دراختیار وزارت آبادانی ومسکن گذاشت .

**۱٤ — اردیبهشت**

● اسناد مالکیت دوهزار کشاورز قراء دزفول ـ رامهرمز ـ شوشتر و اندیمشك بین کشاورزان توزیع شد.

**۱۵ — اردیبهشت**

● سرویس جدید و مدرن«مورنیتورینگ» خبرگزاری پارس گشایش یافت.
● اسناد مالکیت ٤۸۳۹ کشاورز اراضی خالصه (متعلق بدولت) در دشت میشان بین کشاورزان توزیع شد .
● مرحله دوم اجرای قانون اصلاحات ارضی در ملایر وقراءاطراف آغاز گردید . دراین شهرستان از ابتدای اجرای قانون اصلاحات ارضی ۱۲۹۳ قریه بین ٤۵۰٫۰٦٤ کشاورز که با عائله خود حدود ۱٫۸۰۰٫۰۰۰ نفر میشوند ، تقسیم شده است که بهای این املاك ٦٫۵۱۳٫۸۷۰٫٦۰۳ ریال میشود وازاین مبلغ ۱٫۱۱۸٫۷۷۱٫۸۵۲ ریال بابت قسط اول به صاحبان قبلی اراضی ازطرف دولت پرداخت‌شده‌است.

**۱٦ — اردیبهشت**

● هزار نفر سپاهیان دانش به استانها وشهرستانهای محل خدمت خود اعزام شدند .
● پایان مرحله دوم اصلاحات ارضی درشهرستان قروه دراستان کردستان اعلام‌گردید .

**۱۷ — اردیبهشت**

● درشهرستان گناباد ، مرحله‌دوم اجرای قانون اصلاحات ارضی پایان یافت .

**۱۸ — اردیبهشت**

● برنامه اسفالت ریزی خیابانها و معابر اصفهان آغاز شد .

**۱۹ — اردیبهشت**

● ساختمان پارك بزرگ بین( پل فرح وباغ صفا) درقسمت جنوبی شیراز شروع شد.

**۲۰ — اردیبهشت**

● ایران ده میلیون دلار کالاهای سرمایه‌یی (ماشین آلات‌سازنده) از مجارستان میخرد .
● برای حفر ۲۰۰ حلقه چاه تهوئه عمیق دراستان فارس ۸۰میلیون ریال تامین شد .
● مرحله دوم اجرای قانون اصلاحات ارضی درشهرستان بهبهان دراستان خوزستان شروع شد .
● بین تهران وسیرجان ارتباط تلفنی بی‌سیم برقرار شد .

**۲۱ — اردیبهشت**

● عملیات ساختمانی احداث دوکارخانه مجهز ومدرن داروسازی با اعتباری بمبلغ ۱۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال آغاز گردید .

**۲۲ — اردیبهشت**

● ساختمان تکمیلی احداث راه (دارزین ـ جیرفت) در استان کرمان بطول ۱۵۰ کیلومتر وبااعتباری بمبلغ ۲۰ میلیون ریال شروع شد .

**۲۳ — اردیبهشت**

● شرکت نفت فلات قاره دنشتان برای تفحص واستخراج وتولید مواد نفتی توسط شرکت ملی نفت ایران تشکیل شد .
● وزارت کشاورزی اعلام کرد در نیمه اول اردیبهشت بیش‌از ۱۱۰ میلیون ریال وام های مختلف برای امور کشاورزی ـ دامپروری و حفر چاه‌های عمیق دراختیار روستائیان سراسر کشور قرار گرفته است .

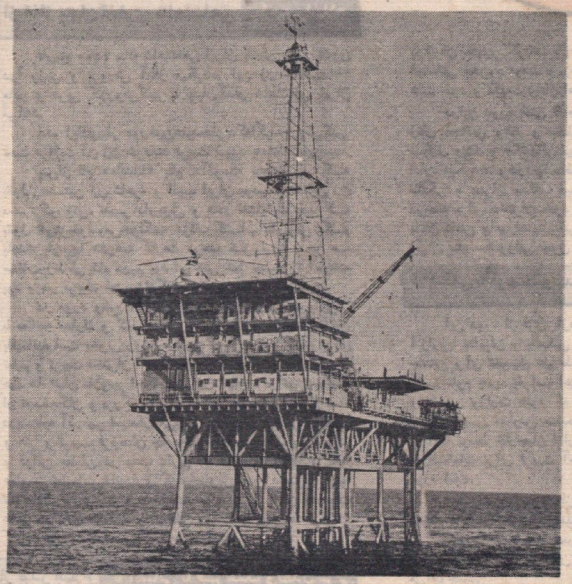

**۸ خرداد ۱۳٤٤ ـ عملیات کشف و استخراج نفت در خلیج فارس توسط شرکتهای ۵ گانه نفتی و بین‌المللی دریائی ایران (ایمینیکو) آغاز شد .**

**۲٤ — اردیبهشت**

● پل عظیم رودخانه شور درشهرستان جیرفت افتتاح شد . طول این پل ۱۱۰ متر است .
● تاسیات لوله آب رسانی سد شهناز درهمدان شروع‌بکار کرد .

**۲۵ — اردیبهشت**

● قرارداد فروش ۷۱هزارتن سنگ کرومیت به ممالك اروپائی به امضاء رسید این سنگها از بندرعباس بارگیری میشود .

**۲٦ — اردیبهشت**

● قراردادهای احداث تاسیات‌ولوله‌کشی آب‌آشامیدنی درشهرستان‌های بابل ـ ورامین ـ نائین ـ پهلوی‌دژ ـ باغباران وکاخك با اعتباری بمبلغ ۷۳٫۷۷۱٫٦۹۳ ریال امضاء شد .

**۲۷ — اردیبهشت**

● عملیات آموزشی دومین دوره سپاهیان بهداشت شروع شد .

**۲۸ — اردیبهشت**

● ساختمان ۱۰ دبستان ابتدائی توسط بنیاد لاجوردی در شهرستان کاشان پایان یافت .

**۲۹ — اردیبهشت**

● اعتباری بمبلغ ٤۰٫۸۳۰٫۰۰۰ ریال برای لوله‌کشی آب‌آشامیدنی واسفالت شهرستان کوچصفهان ـ میئودشت ـ بندرشاه ـ رامیان ـ الیگودرز تامین شد .

**۳۰ — اردیبهشت**

● اولین کلنگ تاسیس متل بزرگ توریستی در جاده قزوین (٦ کیلومتری قزوین) در ساحتی برابر ۲۰ هزارمتر مربع بزمین‌زده شد.
● نماینده اقتصادی دولت شوروی گفت شوروی پیشنهاد تاسیس کارخانه ذوب‌آهن به ایران داده وطرح سد اترك را مقامات ایران مطالعه میکنند .

**۱ — خرداد ۱۳٤٤**

● شاهنشاه دریك نطق مهم دربانگاه مطبوعات زنان کانادافرمودند: « پیشرفت اجتماع جز با حفظ آزادی ممکن نیست ـ آن زمان رسیده که راهی پیش‌گرفته شود که‌از تقسیم جهان به دوگروه‌ثروتمند وفقیر جلوگیری‌گردد ـ ما انقلاب برای تامین عدالت اجتماعی و محو ظلم وتبعیض طبقاتی وبنیان‌گذاری جامعه نورا با زور اسلحه و توسل به دیکتاتوری وازمیان بردن آزادیهای قانونی انجام نداده‌ایم بلکه بصورت مراجعه به آراء عمومی انجام داده‌ایم.»
● عملیات تقسیم ٤۲۵ دهکده موقوفه آستان قدس رضوی دراستان خراسان ( مشهد ) بصورت واگذاری اجاره ۹۹ ساله بین کشاورزان پایان یافت.

**۳ — خرداد**

● آئین‌نامه حمایت صنعتی برای ترقی سطح صنعت وتولیدات داخلی بتصویب‌رسید.

● یك گروه نقشه‌بردار برای تهیه نقشه از گردنه‌های خطرناك پیرزن ـ قلو ـ دخترورودك وتعمیر وتوسعه آنها دراستان فارس شروع بکارکرد.

**۳ — خرداد**

● برای تکمیل وتوسعه تاسیسات شبکه برق شهرستان مشهد وخرید ونصب‌دوواحدنیروازبازیك با قدرت ۱۲۵۰۰ کیلووات‌۷٤۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال تامین اعتبارشد.
● دولت هند برای خرید ۱۵۰ هزارتن روی تصفیه نشده با ۷۰هزار تن روی تصفیه شده با ایران وارد مذاکره شد .

**٤ — خرداد**

● شاهنشاه درشهر مونرآل کانادا فرمودند : «ما امیدواریم‌نه‌تنهاعامل مهم درپیشرفت خاورمیانه باشیم بلکه بصورت یك عامل مهم پیشرفت و صلح بین‌المللی‌درآئیم ـ صلح و پیشرفت بین‌المللی ایجاب‌میکند یك مبارزه جهانی و همه‌جانبه باجهل وفقر وبیماری وبیدادتی‌اجتماعی انجام گیرد ـ اگرروزی برسد که تنها مرام سیاسی‌جهان‌همکاری عمومی برای سعادت وپیشرفت جهانی‌باشد بشدت بهدف واقعی‌نزدیك شده است.»
● مرحله دوم اصلاحات ارضی درشهریار ـ کرج ـ ستز ـ ورامین رودبار ـ تربت حیدریه ـ دماوند و فیروزکوه پایان یافت .
● شرکت ملی نفت ایران مبلغ یك میلیون ریال دراختیار اداره آموزش و پرورش استان‌کرمانشاهان قرارداد تاپرای تکمیل وسائل و بهبود وضع هنرستان حرفه‌ای کرمانشاه صرف‌گردد.

**۵ — خرداد**

● بانك رفاه کارگران اعلام کرد دریك هفته گذشته به ۲۷۷۵کارگر عضو شرکت های تعاونی ۲٫۸۰۵٫۸۵۵ ریال وام داده وبه۱۸۹۹ کارگر ٦٫۱۸۵٫۸۳۷ ریال وام تعمیرات مسکن پرداخت‌کرده‌است.

**٦ — خرداد**

● مرحله دوم اجرای قانون اصلاحات ارضی در ۸۷۳ قریه‌شهرستان نطنز پایان یافت.
● تاسیسات یك مرکز بزرگ بهداشتی ودرمانی درکوی‌کارگرنشین (پیروز) در شهرستان آبادان افتتاح شد . این درمانگاه برای پذیرفتن ٦۰۰ بیمار در روز آماده است و دارای بخش‌هـای رادیوگرافی آزمایشگاه میکروبشناسی و بخش‌تزریقات میباشد.

**۸ — خرداد**

● شاهنشاه دریك مصاحبه تلویزیونی درپاریس فرمودند : « سرمایه های بزرگ مانند نفت و پتروشیمی‌که ممکن بود بصورت کارتل درآید ملی شده وصنعت ذوب‌آهن نیز ملی خواهد ـ ما تازه وارد دوران پتروشیمی میشویم و آینده درخشانی‌داریم.»
● عملیات حفاری اولین قسمت از عملیات کشف و استخراج نفت در خلیج فارس توسط شرکتهای ۵ گانه نفتی وبین‌المللی دریائی ایران (ایمینیکو) در ۷٫۹٦۰ کیلومتر مربع وسعت آغاز شد .

**تاتمام**

# شکوه و جاذبه نام «شاه» در ادبیات ایران

کلام ، برتوی از ذات اهورائیت . وهرکلمه ، از دوردیدگاه، قابل بررسی و شناخت است . از دیدگاه نخستین، گاه‌کلمه، به آینه‌ای میماند . آئینه‌ای‌که درعین‌حال‌که پاره‌ای از طبیعت‌را در خود منعکس میکند وآنرا به حدود و وسعت‌خود ، محدود میکند، عمقی دست‌نیافتنی دارد. دراین محدوده ، در محدودی این‌آئینه، انسان ، مفاهیم موردنظررا جلوه‌گر می‌بیند . واین‌آئینه ، درعین‌حال که از بعدی ، دارای گسترش و بیکرانگی است ، چرا که نمایشگر حالتی ذهنی و یا حالتی غیر مادی است ، از بعدی دیگر ، محدوداست. چرا که نشانگر حالتی مادی است . نیز مرزمیان هرکلمه ، ضرورت دارد . انسان نمیتواند این تصویررا ، تصویری‌را که در آئینه است لمس‌کند . اما میتواند آنرا دریابد. می‌تواند آنرا با دیدگان ضمیر ، لمس‌کند . اما بادست‌مادی ، نمیتواند آنرا بیازماید.

از دیدگاهی دیگر ، گاه‌کلمه به‌نگاه میماند . نگاهی که‌میتوان آنرا گویاترین زبان وگسترده‌ترین دستمایه‌ی بیان‌دانست . نگاهی که عمق دارد، گسترش دارد. نگاهی که گرمی دارد وگاه سردی وتا عمق‌جان‌آن‌را که نوازش میکند ، راه می‌یابد . واین نگاه‌را ، واین کلمه‌را ، میتوان بیاری هردست‌افزاری لمس‌کرد. میتوان آن را بوئید . بوسید . ودرمیان‌گرفت . بانوازش انگشتها ، زیروبم‌آنرا آزمود . و آنچه‌را که درآن نهفته ، ازمهر و عشق ونیکی ویا خشم وکین لمس‌کرد. کلمه به «نگاه» میماند . نگاهی که ذرات تشکیل‌دهنده‌ی‌آنرا ، مفاهیم‌شکل داده‌اند . واین مفاهیم ، درقالب کلمه، به‌هیچ‌چیز ، نمی‌ماند بجز خویشتن . یك جهان مفهوم ، در قالب یك کلمه .

وگاه کلمه‌ای‌هم به نگاه میماند وهم به آئینه . وگاه‌به‌آئینه‌ای میماندکه مرزهای آن ، روی خطوط موازی درحرکت هستند. پیدا است‌که نقطه تقاطع دوخط موازی‌را ، تنها در بینهایت میتوان تصور کرد . این‌کلمه ، واین‌گونه کلمات ، که میتوان‌گفت شماره آنها، از شماره‌تعداد انگشتان یکدست‌هم ، شاید تجاوز نکند ، درهاله‌ای از افسون پوشیده‌اند . این‌گونه‌کلمات ، بی‌اختیار در انسان، حالتی خاص برمی‌انگیزد . حالتی که‌درکلام نمی‌گنجد . و جاذبه آنراباید درخود همان‌کلمه ، دریافت وتجربه‌کرد. وکلمه «شاه» ، یکی ازاین کلمه‌هاست وکلمه «شاه» ، چون کلمه «خدا» و یا «میهن» ، جاذبه‌ای اهورائی دارد . حالتی‌رابرمی‌انگیزد که تنها از عهده افسون پریان برمی‌آید.

* * *

انسان ، همواره ، درقیاس خودبا پدیده‌های از طبیعت ، بسر توانائی افزون‌ترآن پدیده‌ها رشك برده‌است وهمواره کوشیده یا بیاری اندیشه‌ی خود ، راههائی را برگزیند تا توان‌مقابله‌باآن‌نیروهای برتررا بیابد.

درآغاز پیدایش بشر ، که‌اوبر این‌نیاز آگاهی یافت ، لخت دیرزمانی درمحیط‌خود ، وبه پیرامون‌خود نگریست . وآنچه که اندیشه‌اش‌را بخود مشغول میداشت برای ستایش وپاری‌جستن ازآن برگزید .

اما ، گذشت زمان ، اندك‌اندك بی‌پائی تصور اورا برای‌اوباز نمود . او از پرستیدن حیواناتی‌که‌گاه برقلمرو زندگی‌او ، وجان‌او، حمله‌می‌بردند ، وگاه ، جان‌مایه‌های اورا برای ادامه زندگانی ، فراهم می‌دیدند، خویشتن‌داری‌کرد. ونظر به‌آسمانهادوخت. و ستاره‌ها را دیدکه شبها ، چون پولك‌هائی درخشان ، وباچون لکه‌هائی از نور ، بردامن‌شب آویخته‌اند . وافسون ستاره‌ها دراو کارگرافتاد. ودل به پرستش‌آنها مشغول‌داشت . نیز ، درهمین‌حال ، رودخانه‌ها وخشم وخروش وطغیان‌آن‌ها ، ویرا برانگیخت.

اما زمانی‌بعد ، ابرمردانی پاخاستند . آنان دریافته بودندکه این پدیده‌های طبیعی ، ازخویشتن اراده‌ای ندارند. وچون انسان متهور نیروئی برتر گرفته هستند. وانسان ، وگروهی از آدمیزادگان ، به پرستش خورشید ، که‌به باورآنها ، نیروئی افزون‌تر ازستارگان داشت و باطلوع خود، آنها را بدیارنیستی‌میفرستاد ، روی آوردند. اما این‌نیز دیرگاهی‌بعد ، جلوه افسون خودرا ازدست‌نهاد . وسرانجام آدمیزادگان ، به راهبری‌ابرمردان نیك‌اندیش ، اهورامزدا ، نیروی برتر ونیروی مطلق‌را شناختند. ودر راه پرستش‌اوگام نهادند. وچون زمانی‌برآمد، آنان ، دریافتندکه‌گامهای اهورائی در و جود تنی چند از آدمیزادگان ، جلوه می‌یابد. واو، خود ، نمودی از ذات آفریدگار است . چراکه اندیشه‌های تابناك وکردار ، گفتار و پندار نیك اورا ، نشانه‌هائی ازمنش خدایان میبافتند . وبدینگونه اورا جلوه خدا نامیدند وسایه لطف او . وایرانیان‌که درگذرگاه تاریخ بشری در زمینه دانش وفرهنگ همه‌ای سنگین‌تر از دیگر اقوام بدوش میکشند ، پیش‌تر ، این جلوه را شناختند. و نام اورا برگزیده خدا ، سایه خدا ، نهادند . و اورا بنام «شاه»خواندند.

* * *

نگرشی درتاریخ این مرزوبوم کهن‌سال و تعمقی در تاریخ ادبیات‌گرانبار ایران‌زمین ، مارا به‌این حقیقت رهنمون می‌سازدکه «شاه» همواره مظهر خدا، وسمبل آزادی و آزاداندیشی ، گسراینده داد و عدل ودشمن اهریمن و تاریکی بوده‌است . آنگاه‌که عصبیتی براین سرزمین فرود میآمد ، آنان ، ازجان‌خود ، در راه خدمت شاه ، جان میگذاشتند وسرایا ، بدل‌به‌گوش‌می‌شدند تا سخنان اورا پذیرا شوند وبه‌کاربندند . و نام «شاه» چون افسونی ، درطول‌تاریخ، موثرآمده‌است . افسونی که مردان وزنان آزاده ، به‌حراست‌ازآب‌وخاك میهن‌خود ، و حفظ بنیاد شاهنشاهی باشکوه میخواندند. نیز هنرمندان که برگزیدگان فکری وپیشروان جامعه‌ی خود بوده وهستند ، باور داشته و دارندکه نام شاه ، آثار آنانرا درهاله جاودانگی میپوشاند. ازاین‌رو ، آنان ، همواره میکوشیدند آنانرا‌خویشتن‌را با نام شاه بیارایند و بدینسان مهر جاودانگی برآنزنند .

کلمه « شاه » ، افسون‌کننده‌ترین کلمه‌هاست . و مفهومی که‌دراین کلمه نهفته ، آنگونه بیکرانگی دارد که انسان ، حتی از تصور آن باز می‌ماند . وادبیات جاویدان ما ، در سایه همین افسون وهمین شکوهی است که رنگ‌جاودانگی‌برخود زده‌است . شکوه این‌نام ، جاودانه‌ترباد.

# شاه و میهن در ادبیات ایران

## عروس پاسارگاد

باز رویای شیرینم امشب
می‌نشاند بپال طلائی
می‌برد ، تا گلدگاه تاریخ
می‌برد تا ...
جلگه‌ی باصفای پاسارگاد
می‌زند ، باردیگر به‌یکسو
برنیائی سراپرده‌ی‌قرن
من بمعراج رویانشسته
نرم و لغزان و لغزنده . . . بینم
جیوه‌ها پشت آینه‌ها ریخت
جلوه‌گرشد درآئینه‌ی‌قرن
ماندنا ، نوعروس پاسارگاد
دست در دست « هاربلاد »نهاده
شاد و سرمست
از میان ستون‌های سنگی
شد نمایان ، خرامان ، خرامان
تخت‌جمشید شد .

ـ نوربارانِ
برسرش تاجی از صد ستاره
جامه‌اش ، نور لؤلؤ نشان‌است .
طوق تقواست
مخمل گیسوان سیاهش
می‌برپشند . از پوسه‌باد
نورها آبد از او بروازِ
قصر متروك
بالدامروز برخویش ، اگرچه
هیچ‌ویرانه برخود نبالید...

***

دسته . دسته
اختران برزمین کوچ کردند
میزبان است خورشید امشب
میهمانان کاخ شهی را ...
ماه آئینه‌دار زمین است

***

رفته امشب
نیرگی در پس‌پرده‌ی شرم
آسمان و زمین در تفاهم
افرینش ، دگرگونه بینم
من ندانم خیال است یا خواب
نغمه‌ی‌حور . با شعر حافظ
درهم آمیخت
ریخت از عمید کهکشان‌ها ،
این چه رنگین‌طلوعست درمن
این چه رنگین بساطی است
یارب ....

***

آه .... بنگر
می‌درخشد عروس پاسارگاد
دختران پرزاد «بابل»
شمع برکف
گرد آز . سربه‌محراب‌دارند
ماه بابل «امیتیس» زیبا
ایستاده کنارستونی
جام‌برکف
خنده برلب . .
پیچد عطر ، گل و ، عود و ،عنبر
درحریرنسیم شبانگاه
بوم بربست ، . .
دیده‌ی خیره خویش و پرزد
وه . چه رازیست در جنگل‌شب

***

آه ... این کیست
تکیه داردباورنگ‌شاهی
گرداوصد کماندار ، بشکوه
و زمان را
می‌شکافد شکوه صدایش
کوروشم‌من ، شهنشاه شاهان
بندهای اسارت زپای
بندی آسیایی گسستم
برزبانم سپاس «اهورا »
این ندانم‌خیال است . یاخواب

***

بینم آن چهره‌هایی که برسنك
نقش بودند . جاوید ،امشب
میگریزند از صفحه‌ی سنگ
غرفه هریك
در شکوه سرودنیایش
روی اشباح
مانده از ره فروغ نگاهم

***

تخت‌جمشید . این گنج‌تاریخ
دارد امروز
تاج آزادگی برسرخویش
مشعل افتخارش

فروزان
آری . آری .
برگ تاریخ هرگز نسوزد
باشکوه است
ویرانه‌ی‌ما

***

قرن آشوبزا ، باردیگر
بستر رویدادی طلائی است
گاهوار تلاشی فرخ‌است
صبح با شهرآمیخت
بیکرم مسخ رویاست
دست‌بندار
بسته برمن ره خواب

تهران ـ مرداد ۵۰
سپیده کاشانی

## قلب خود از یاد شاهنشه مکن هرگز تهی

از : ملك‌الشعراء بهار

هر که را مهر وطن در دل نباشد ، کافر است
معنی حب‌الوطن ، فرموده‌ی پیغمبر است
هست ایران مادر و تاریخ ایرانت پدر
جنبشی کن گر ترا ارث از پدر ور مادر است
خسروان پیش نیاکان تو زانو میزدند
شاهد من صفه‌ی شاپور و تنش قیصر است
شکرکن گر دادت ایزد ، پادشاهی دادگر
پادشه گر دادگر شد ، روز عید کشور است
قلب خود از یاد شاهنشه مکن هرگز تهی
خاصه در میدان که شاهنشاه ، قلب لشکر است
از تو ، بی‌آئین و بی سلطان ، نیاید هیچکار
زانکه آئین روح‌وکشورپیکر وسلطان ، سراست
روتفاخرکن به شمشیری که داری برمیان
زانکه زیر سایه‌ی او ، جنت جان‌پرور است
این همان ملکی است کاندر باستان بینی در او
داریوش از مصر ، تا پنجاب ، فرمان گستراست
وز پس اسلام ، بنگر ، تا ببینی بی‌خلاف
«کز حلب تا کاشغر ، میدان سلطان سنجر است»
این همه جمعیت و فسحت از شاهان بود و بس
شاه عادل کشورش معمور و گنجش بی‌مراست
ای شهنشاه جوانبخت ، ای که قلب پاك تو
پرتو افکن بروطن چون آفتاب خاور است
دامنت پاکست و فکرت روشن و ذاتت کریم
اینچنین باشد شهی کو فاضل و دانشور است

## مادر آزادگان ، کم‌آرد فرزند!

از : استاد رودکی

دیرزیاد ، آن بزرگوار خداوند
جان گرامی به جانش اندر پیوند
دایم بر جان او بلرزم ، زیراك
مادر آزادگان ، کم‌آرد فرزند
از ملکان کس چنوبود ، جوانی
راد وسخندان و شیر مرد وخردمند
کس نشناسد همی ، که کوشش او ، چون .
خلق ندانند همی که‌بخشش او ، چند
دست و زبان ، زر و در برافگند او را
نام بگیتی نه از گزاف برافگند
در دل ما ، شاخ مهربانی بنشانست
دل نه ببازی ، زمهر خواسته برکند
همچو معماست ، فخروهست او شرح
همچو ابیاستست فضل و سیرت او زند
گرچه‌بکوشند شاعران زمانه
مدح کسی را کسی نکوید مانند
سیرت او ، تخم کشت و نعمت او ، آب
خاطر مداح او ، زمین برومند
سیرت او ، بود وحی نامه‌ی کسری
چون‌که به آئینش بندنامه بیافگند
سیرت آن شاه ، بندنامه‌ی اصلست
زانکه همی روزگار گیرد از او پند
هرکه سر از پند شهریار بپیچد
پای طرب را بدام‌گرم ، درافکند
کیست به‌گیتی ، خمیر مایه‌ی ادبار
آنکه به اقبال او نباشد خرسند
آخر شعر آن کنم که اول گفتم :
دیرزیاد ، آن بزرگوار خداوند .

## هنر ایرانی از دیرباز تا امروز

بقیه از صفحه ۱

او ، شعوری بالاتر و در نتیجه دریافتی عمیق‌تر از انسان های عادی دارد . از این‌رو، دورنیست اگر بطور معمول آثار هرهنرمندی، سالها پس از مرگ او ، شناخته میشود و اندك اندك راز هنر او، روشنی میگیرد . زیراهنرمند ، بیاری همان شعور بالاتر،همواره، پیشاپیش مردان همزمان خود گام برمیدارد .

هر هنرمند ، پاره‌ای از پرتو هنر خود را ، در آثار خود میپراکند . زیرا هر اثر هنری ، در حقیقت ، نمودی از لحظه‌های آفرینش است . هنر ، از این دیدگاه ، با جلوه های‌گونه‌گون خود، همواره عامل‌نیکبختی بوده و هست .

در روزگاران گذشته ، شاهان روشن‌اندیش ، که خودازسرچشمه دانشها و آگاهی‌ها نوشیده‌بودند، پاس هنر را ، و هنرمند را میداشتند ، و هنر ، همواره‌مورد ستایش و هنرمند در سایه حمایت شاهان زیسته‌اند .

در دوره ساسانی ، اوج هنر موسیقی ایران را درمییابیم . هر چند بنا به شهادت نویسندگان و مورخین ، حتی آنان که‌بیگانه بوده‌اند ، هنر موسیقی درمراسم مذهبی و آداب رزم و نیزدرزندگی اجتماعی ایرانیان، سهمی بسزا داشته و نمونه‌ای را که میتوان یادآوری کرد گاتهای زرتشت می‌باشد که با آهنگهای‌خاص،خوانده میشده است .

در دوران ساسانی ، موسیقی ، اوج خود را یافت و این براثر توجه شاهنشاهان این سلسله ، و بویژه شاهنشاه دادگر ، بهرام پنجم ، بود . او فرمان راند که موسیقی دانها و خوانندگان ، در شمار بزرگان کشور ، در دربار ، مقام معین داشته باشند . نیز ، گروهی از هنرمندان را ازسرزمین هندوستان به ایران خواند . از استادان بنام عصر ساسانی میتوان به رامتین ، باهشاد ، نکیسا ، آزادورجنگ ، سرکش ، وباربد اشاره کرد . و این هنرمندان ، در پرتو حمایت و توجه شاه هنرپرور ، به غنای موسیقی ایران افزودند . از آن پس موسیقی ، با هنر دیگری ، که یکی از شاخه های درخت تناور هنر در ایران زمین است ، با هنر شعر ، هماهنگی بیشتر یافت ، و درهم آمیخت . و باعث آمد تا مردم ، تصویر زندگی خود را در این آمیزه بنگرند و هنگام شادی و یا اندوه به آن روی آرند. وشعر و موسیقی ما ، آئینه‌ی زمان‌شد. و این ، حاصل هرهنر اصیل است . هنری که ریشه‌دراحساسات اندیشه‌ها و باورهای یك قوم‌دارد. در عصر معاصر ، ته تنهاموسیقی و هنر شعر ، بل تمام هنر های کهن و یا جوانسال ، در این‌مرز و بوم رونقی و درخشنی‌چشمگیر گرفته ، و همه‌ی امکانات ،برای بارورى هنر ، فراهم آمده است. وسائل ارتباط جمعی ، عامل موثری است که باعث آمده ،هنر در همه زمینه‌ها ، گسترش یابد و آستانها را ، از دیدگاههای مختلف ، در زندگی مولر آمد . پرتو محبت و توجه شاهنشاه آریامهر و شهبانوی هنرپرور ، که همواره بر زندگی هنرمندان سایه میگسترد ، امکانات‌ووسائلی که به اراده شاهنشاه در این مورد فراهم آمده و برگزاری جشنواره های هنری ،بزرگترین عامل‌درراه تکامل و پیشرفت هنرهاست . و انگونه که مینماید ، روزگار روشن‌تر ، و روزگاران شکوفائی بیشتر ، در انتظار ،هنر این‌مرز و بوم هنرپرور است.

# خبرهای جشن از داخل و خارج

## جمعیت جوانان شیروخورشید سرخ

## ایران در هفته جشن‌ها بسیج میشود

شاهنشاهی در ۱۰ هزار شماره انتشار داده‌است تابین‌جوانان کشورهای عضو صلیب‌سرخ و هلال‌احمر توزیع‌نمایند.

● اعضاء جمعیت جوانان شیروخورشید تهران وشهرستانها درطول هفته جشن ، از عموم بیماران در بیمارستانها عیادت کرده وبین‌آنان هدایائی توزیع‌خواهندکرد.

● ازطرف جوانان شیروخورشید ، قبل‌از شروع مراسم جشنهای شاهنشاهی هدایای بهداشتی وتحصیلی فراوانی‌تهیه گردیده تا بین‌کلیه روستازادگان کشور و دانش‌آموزان بی‌بضاعت درطول هفته جشن توزیع‌شود . بدین مناسبت در تهران ۲۵۰۰ بسته وسایل تحصیلی شامل دفتر و نوشت‌افزار تهیه شده تا بین ۲۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان بی‌بضاعت جنوب شهر تهران توزیع‌گردد.

● بمناسبت برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، خانه‌های جوانان شیروخورشید ساری ومرند افتتاح میگردد.

کار شبانه‌روزی کارگران ومتخصصان، پایه‌های عمران و آبادانی مملکت‌را رفیع‌تر میکند و موعد تحویل پروژه‌های بیشمار عمرانی نزدیك میشود ، تحویل روستاهای نوساز و شهرهای آبادتر به جشنهای شاهنشاهی ایران . . . کار سازندگی مملکت از ترمیم یك‌قطعه‌راه روستائی تا ساختمان عظیم‌ترین اسکله‌ها با رتم سریع ادامه‌دارد.

سازندگی باید بدانگونه انجام‌گردد تا نشانه بارزی از تفکرات عالی وتلاشهای سازنده شاهنشاهان ۲۵ قرن تاریخ ایران باشد دستها و دستگاههای مجری سازندگی که پاس برگزاری درخشانترین برگ تاریخ ایران‌باستان ، یعنی دو هزارو پانصد سال شاهنشاهی ایران ، سرگرم تلاش و جنبش میباشند ، بخوبی اهمیت‌کاررا درك کرده‌اند...

تحویل پروژه‌های ساختمانی و عمرانی ، زودتر از موعد مقرر و پیش‌انداختن اجرای برنامه‌های وسیع ، گواه‌این حقیقت‌است که دراین مرحله از سازندگی‌کشور بویژه ، دست ودل باهم‌کار میکند.

### برنامه جوانان شیر و خورشید

● . . . برای اجرای تدارکات عمرانی و نوسازی مملکت بمناسبت برگزاری جشنهای دو هزاروپانصد سال شاهنشاهی ایران ، کلیه دستگاههای دولتی وملی سهیم میباشند.

● جوانان جمعیت شیروخورشید سرخ ایران اجرای قسمتی ازبرنامه‌هارا عهده‌دار شده‌اندکه براستی تنها بدست نیروی جوان مملکت ، قابل‌اجراست.

برنامه‌های جوانان شیروخورشید ، برنامه‌هایی‌انسانی وعینا درجهت هدفهای اصولی جمعیت شیروخورشید سرخ است .

● جوانان شیروخورشید ایران درکلیه مراسم هنری و جشن وسرور ودعا ونیایش وافتتاح میدان شهیاد ونثار تاج گل وگلباران پیکره شاهنشاه آریامهر ــ شرکت خواهند داشت .

● مددکاران و امدادگران سازمان مرکزی جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران بمنظور همکاری ، چهاربست امدادی در مسیرهای تهران ــ قم و تهران ــ ساوه در طول هفته جشن شاهنشاهی دایرخواهندکرد.

همچنین مددکاران جمعیت درشهرهائیکه در مسیر برنامه‌های اصلی جشن‌ها واقع میباشد کشیك‌برقرار خواهند کرد .

● برنامه‌های هنری مخصوصی ازطرف جوانان جمعیت در سالن‌های مختلف شهرها اجرا میشود .

● نوجوانان جمعیت چهار هدیه مناسب تهیه کرده‌اند تا درطول برنامه جشن شاهنشاهی به چهارکودکی که‌بنا به پیشنهاد یونسکو ازچهار نژاد مختلف بکشور ایران دعوت میگردند تقدیم‌شود .

● ازطرف جمعیت جوانان شیروخورشید تعداد دو هزار و پانصد جعبه‌کمکهای نخستین مخصوص جشنهای‌شاهنشاهی تهیه‌شده تا در دوهزاروپانصد باب‌مدرسه‌روستائی‌نصب‌گردد.

● ازطرف جمعیت جوانان تعداد دوهزاروپانصد جلدکتاب کمکهای نخستین نیز درمدارس یادبود رستاخیز فرهنگی توزیع‌خواهدشد.

● جمعیت جوانان شیروخورشید یك قطعه کارت مبادلاتی حاوی مطالب‌کلی وجامع جشنهای دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی در ۱۰ هزار شماره انتشار داده‌است تابین‌جوانان کشورهای عضو صلیب‌سرخ و هلال‌احمر توزیع‌نمایند.

● اعضاء جمعیت جوانان شیروخورشید تهران وشهرستانها

## کمیته جشن شاهنشاهی

## در ایتالیا

### ریاست عالیه

حضرت جوزپه ساراگات ، رئیس‌جمهوری‌ایتالیا

### کمیته افتخاری

| | |
|---|---|
| جناب آقای امیلیوگلمبو | رئیس هیئت‌وزیران |
| جناب آقای آلدومورو | وزیر امور خارجه |
| جناب آقای ریکاردومیسازی | وزیر آموزش ملی |
| جناب آقای سناتورجوانی‌گرونکی | رئیس افتخاری انجمن ایتالیا و ایران ، رئیس جمهوری سابق ایتالیا |
| جناب آقای انجوسالیتسیونی | معاون وزارت امور خارجه |
| جناب آقای جوولامونیبیانی | |
| مورانودی‌گوستودسا | سفیر ایتالیا در ایران |
| پروفسور پیترودواك | رئیس دانشگاه رم |
| پروفسور بنیامینوسگره | رئیس فرهنگستان ملی ایتالیا ( آکادمی لینچئی ) |
| دکتر کله‌لیودارایدا | شهردار رم |
| پروفسور جوزپه‌توچی | رئیس انستیتوی ایتالیائی روابط فرهنگی با خاورمیانه و خاوردور |

### کمیته اجرائی

| | |
|---|---|
| پروفسور جوزپه‌توچی | رئیس انستیتوی ایتالیائی روابط فرهنگی با خاورمیانه و خاوردور . |
| دکتر جووانی گالویی والاوری | رئیس بخش روابط فرهنگی انستیتوی ایتالیائی روابط‌فرهنگی با خاورمیانه و خاوردور |
| جناب‌آقای ماریومونداو | سفیر ، مدیرکل روابط فرهنگی وزارت امور خارجه |
| جناب آقای انریکوگالویی | رئیس روابط فرهنگی وزارت امور خارجه |
| پروفسور آنتونیوبالیارو | استاد دانشگاه رم |
| پروفسور آلساندروباوسانی | استاد دانشگاه رم |
| پروفسور گرادفرانکویچ | استاد دانشگاه رم |
| پروفسور گولیلموواتجلیس‌دوسات | استاد دانشگاه رم |
| پروفسور گراردونیولی | استاد انستیتوی شرقی دانشگاه نابل |
| پروفسور جان ربرتواسکارچیا | استاد دانشگاه ونیز |
| پروفسور باسکواله رتوندی | رئیس انستیتوی مرکزی تعمیرات آثار تاریخی رم |
| پروفسور فرناندوگاروزو | رئیس انستیتوی فرهنگی ایتالیا در تهران |
| آقای جوزپه تاندر | باستان‌شناس |
| آقای اوجنیوگالدیری | باستان‌شناس |
| دکتر آدریانوفالوو | رئیس قدراسیون ملی مطبوعات ایتالیا |
| دکتر سیلوانوجانلی | عضو هیئت مدیره رادیو تلویزیون ایتالیا . |
| پروفسور دانیلوباستوریونی | رئیس شرکت « فیات » |
| کلنل فیلیپوسنی | رئیس شرکت « سادلی » |
| دکتر فرانچسکوپناکیوتی | مدیر شرکت « ایمپریت » |
| آمیرالیو ماریانو ایمپریالی | دبیرکل انستیتوی ایتالیائی روابط فرهنگی با خاورمیانه و خاوردور . |
| پروفسور آنتونیو گارگانو | رئیس امور فرهنگی انستیتوی ایتالیائی روابط فرهنگی با خاورمیانه و دور |
| دکتر آناماریادآنجلیس | عضو انستیتوی ایتالیائی روابط فرهنگی با خاورمیانه و خاوردور |

حضرت جوزپه ساراگات ، رئیس جمهوری ایتالیا

آلدمورو

امیلیو گلمبو

پرفسور توچی